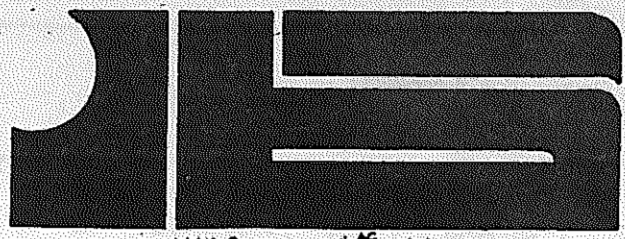


با افشای غیرقانونی کردن سازمانهای انقلابی از دستاوردهای قیام دفاع کنیم



کارگران و زحمتکشان متحد شوید

سه شنبه ۴ شهریور ۱۳۵۹

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال دوم شماره ۷۳

۲ صفحه - قیمت ۲۰ ریال

رئیس مجلس از چه موضعی به اتحاد و همکاری دول امپریالیستی علیه کمونیسم اشاره می کند؟

ماهیت اعمال و رفتار و سر نظرات آقای رفسنجانی که اکنون بعنوان رئیس مجلس یکی از با نفوذترین سران جمهوری اسلامی است بقدر کافی بر بسیاری از نیروهای آگاه جامعه ما شناخته شده است. او بهنگام حیات شورای انقلاب یکی از اعضا بقیه در صفحه ۵

کمونیسم نیاز به اتحاد و همکاری دارد. انگیزه ها و علل این پند و اندرز برادرانه آقای رفسنجانی به امپریالیستها یعنی دشمنان خلق ایران و تمام خلقهای سراسر جهان و نیز دشمنی آشکاروی نسبت به کمونیستها و دیگر نیروهای انقلابی از کجانشی میشود؟

آقای رفسنجانی رئیس مجلس در ملاقات اخیر خود با نمایندگان دولتهای امپریالیستی بشیوهای دیپلماتیک ما بانه و زیرکانه دول امپریالیستی را به اتحاد و همکاری علیه کمونیستها دعوت می کند و می گوید "بختی نیست که بلوک غرب در مقابل خطر

مسئله گروه‌گانه‌ها و سیاست حزب جمهوری اسلامی

با تعیین نخست وزیر و گروگانها و بینه‌وی که نمونه بارزی از قدرت گیری حزب جمهوری اسلامی در دستگاه دولتی است، رفته رفته مسئله گروگانها یکبار دیگر به عمده ترین مسئله سیاسی روزگه ما بر مسائل تحت الشعاع خود قرار میدهد. تبدیل میشود. با توجه به آنکه آیت الله خمینی، تصمیم در مورد گروگانها را از مدت ها پیش بر عهده مجلس نهاد ماست، سیاست حزب جمهوری اسلامی بی شک نقش قطعی و تعیین کننده ای را در این مورد ایفا می کند، زیرا اکثریت نیرومند و بی نظیری از نمایندگان مجلس، جزو فرآکسیون پارلمانی "حزب بنام میا" بند. بنا بر این کاملاً روشن است که روش حزب جمهوری اسلامی در باره گروگانها، در حقیقت همان سیاست حکومت جمهوری اسلامی در قبال مسأله گروگانهاست.

مدتها پیش، هنگامیکه تلاش مشترک رهبران حزب و لیبرالها در "شورای انقلاب" برای تحویل دادن گروگانها بدولت با شکست مواجه شد، رهبران حزب تلاش ورزیدند تا از مسئله گروگانها بعنوان وسیله ای برای عقب راندن لیبرالها از ارکانهای دولتی، یعنی از پیش استفاده کنند. اما اینکار بعضی جنبه ها، شرایط کاملاً جدیدی پدیدار گشته است. توازن قوا در میان دو فرآکسیون قدرتمند هیات حاکمه یعنی سران حزب و لیبرالها برهبری بنی صدر به میزان قابل توجهی به نفع اولی ها تغییر کرده است. اگر در آن زمان سران حزب میتوانستند مسئولیت ورشکستگی و ناگامی اکثر اقدامات اقتصادی و سیاسی هیئت حاکمه را منوط به لیبرالها سازند، اکنون خود در موقعیت پیشین لیبرالها قرار گرفته اند. بنا بر این آنها اکنون در شرایط ویژه ای که بسر میبرند با یکسازمان آزمون سختی را از سر بگذرانند. چگونگی سیاست آنان در مورد گروگانها، که از هم اکنون نشانه های از بقیه در صفحه ۲

با افشای توطئه غیرقانونی کردن گروه‌ها و سازمانهای انقلابی توسط هیئت حاکمه از دستاوردهای قیام دفاع کنیم.

همه توطئه های زحمتکش میهنان بیا دارند که در سالهای سیاه، دیکتاتوری و سیطره اختناق و سرور محمدرضا شاهی، فدائیان خلق به سر بردی بی ایمان علیه رژیم دیکتاتوری شاه و اربابان امپریالیستش برخاستند و غرور و مسلسلهای آنان در گوشه کار شهر سکوت اختناق را درهم شکست و خواب از چشم جلادان ساواک ربود و گلوله های آنان، امپریالیسم و ایادی مزدور شیر اهدف گرفت. فدائیان خلق در میدانهای تیر، در زیر وحشیانه ترین شکنجه ها و در درگیریهای خیابانی با ایمانی استوار به خلق و طبقه کارگر حماسه ها شای از مقاومت و قهرمانی آفریدند و تا آخرین دم حیات بر افتخارشان به آرمانهای والای زحمتکشان وفادار ماندند. توطئه های زحمتکش و رنج دیده میهنان بقیه در صفحه ۱۵

فاجعه گچساران ارمنان نظام سرمایه داری برای توده های زحمتکش

زحمتکشان و مسئله ای بنام مسکن در کشورهای وابسته تنگنای مکن نه بمعنی کمبود مسکن بلکه بمعنی احتکار و عدم توزیع عادلانه آن میباشد بقیه در صفحه ۶

در این شماره:
بررسی مختصر جنبش کارگری در دو سال گذشته
اوج گیری مجدد مبارزات اقتصادی طبقه کارگر
اعدام فرزند انقلابی خلق کرد
پاسخ به سئوالات
اخبار کارگری

سخنی با هواداران نکاتی چند پیرامون کار مخفی و کار علنی
رفقا شرایطی که ما اکنون در آن بسر می بریم یک دوران انتقال از شرایط باز و نسبتاً دمکراتیک روزهای پس از قیام به دوران اختناق و سرکوب، سلب آزادی های دمکراتیک و استقرار بیش از پیش ضد انقلاب است. مدتی است که حاکمیت یورش های وسیعی را در جهت محدود کردن و پیمان نمودن حقوق و آزادیهای دمکراتیک، سرکوب توده ها، غیرقانونی کردن صریح یا ضمنی سازمانهای انقلابی و دمکراتیک آغاز کرده است، شوراها و کارگری و اتحادیه های دهقانی با نحاء مختلف مورد یورش قرار گرفته اند، اخراج و بازداشت نیروهای انقلابی در کارخانه ها، مدارس، ادارات و غیره آغاز شده است، نشریات و وابسته به سازمانهای مترقی و انقلابی ممنوع انتشار شده و فروشنده ها و توزیع کنندگان آنها شدیداً تحت

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه د اخلیش

مسئله گروگانها و ...

بقیه از صفحه ۱

آن آشکار شده است، ماهیت تضاد آن با امپریالیسم را برای کارگران و زحمتکشان و توده های میلیونی خلق روشن خواهد کرد. همچنین این سیاست، خط سیر بحرانی را که از دیرباز بر روابط دیپلماتیک میان دولت های ایران و امپریالیسم آمریکا حاکم بوده، تعیین خواهد کرد.

بیش از دو ماه و نیم به انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا باقی نمانده است. رقابت بین دو جناح حزب دموکرات و حزب جمهوریخواه آمریکا بیش از پیش فشرده تر میشود. متناسب با آن، حزب دموکرات و کارتر، فشار بیشتری را در رابطه با ادامه یازداشت گروگانها، متحمل می شوند. تاکنون از نظر افکار عمومی آمریکا، مسئله گروگانها نقطه ضعفی در سیاست خارجی کارتر نبوده است. رنانلد ریگان نماینده حزب جمهوریخواه نیز بیشترین تبلیغات را علیه کارتر و حزب دموکرات بر روی مسئله گروگانها متمرکز نموده است. با استناد به همین مطبوعات که منعکس کننده سخنان و مواضع های مقامات رسمی امپریالیسم آمریکا است و نیز اقداماتی که امپریالیسم آمریکا در رابطه با آزادی گروگانها انجام میدهد میتوان تصویری نسبتاً واقعی، از سیاست آن در این مورد بدست آورد. این روزها اظهار نظرهای مقامات رسمی آمریکا حاکی از آنستکه "ارتباط غیر مستقیم" یا برخی از مقامات رسمی دولت ایران "امیدواریهای جدیدی برای "حل مسالمت آمیز" مسئله گروگانها در آنها بوجود آورده است! اما مسئله مهم برای کارتر و حزب دموکرات صرفاً تکیه بر "حل مسالمت آمیز" مسئله گروگانها نیست. برای آنها چند عامل حائز اهمیت در جه اول اند، این عوامل عبارتند از:

- ۱- عامل زمان: از نظر حزب دموکرات آزادی هر چه سریعتر گروگانها که تا ثیر قطعی بر روند مبارزات انتخاباتی شان برجای می گذارد، از اهمیت خاصی برخوردار است.
- ۲- امپریالیسم خواهان آنستکه بهای هر چه کمتری در ازای آزادی گروگانها بپردازد، بهمین دلیل تا حد ممکن از موضع قدرت نسبت بدان برخوردار می کند.
- ۳- امپریالیسم نهایت کوشش خود را برای

حلوگیری از محاکمه گروگانها بعمل می آورد. محاکمه گروگانها برای کارتر و حزب دموکرات رسوائی بزرگی است. با توجه به عوامل فوق پس از گشایش مجلس، دو نامه از اعضای کنگره آمریکا برای نمایندگان مجلس و سپس نامه جمعی از سفیرای دول امپریالیستی اروپایی و نیز ملاقات بعدی سفرا و نمایندگان گنجهای سیاسی "دول امپریالیستی عضو بازار مشترک اروپا" بار فسنجانی رئیس مجلس و یکی از رهبران حزب گوشه ای از تشدید فعالیت و بخشی از مجموعه تلاشهای امپریالیسم آمریکا و متحدانش برای آزادی گروگانها بود. در مقابل، سخنان رفسنجانی و مواضع بهیشتی در هفته گذشته بیانگر این مطلب بود که سیاست حزب جمهوری اسلامی، علیرغم تصمیمات قبلی عبارتست از عقب انداختن بررسی مسئله گروگانها در مجلس. همانطور که اشاره شد، اینک حزب جمهوری در شرایط ویژه ای قرار گرفته است.

با تعیین رجائی بعنوان نخست وزیر "حزب" گرایش بیشتری به آزادی کردن گروگانها از خود نشان میدهد. این گرایش در آینده، با نزدیک شدن زمان بررسی مسئله گروگانها در مجلس شدیدتر خواهد شد. زیرا سران حزب به هدف خود، در پیشبرد تاکتیک ادامه یازداشت گروگانهای آمریکا بسیار نزدیک شده اند. با اتخاذ چنین تاکتیکی، قدرت سیاسی لیبرالها در ارگانهای دولتی بمیزان زیادی کاهش یافته است. از سوی دیگر برای حفظ و تدوام بخشیدن باین قدرت "مکتبی" و مها زدن بموج اعتراضی توده ها و نیز برای اعتبار کردن ادعاهای بنی صدر در مورد بی کفایتی و "خشک سری" رجائی دستکم باید بحران اقتصادی جامعه تا آنجائی که بمسئله گروگانها مربوط می شود، تخفیف یابد. محدود کردن دامنه بحران اقتصادی از دیدگاه بورژوازی غالب بر حزب جمهوری اسلامی جز از طریق اتکاء به امپریالیستها امکان ناپذیر است. رفع "محاصره اقتصادی" بدون آزادی گروگانها میسر نیست. سیاست حزب نشان خواهد داد که آنها در نفی باصطلاح "دوا بر قدرت" و قبول سلطه امپریالیستهای اروپائی و ژاپنی با سیاست رئیس جمهور بنی صدر و جناح او در وحدت نسبی بسرمی برند. سران حزب از این نظر در محدوده معینی با جناح بنی صدر دارای اختلاف نظر هستند که عبارت است از رقابت، جهت بدست گرفتن

ابتکار عمل برای پیشبرد چنین سیاستی. در حقیقت سران حزب کوشش می کنند تا خود بجای لیبرالها "تنظیم کننده" رابطه حکومت جمهوری اسلامی با کشورهای امپریالیستی باشند. اکنون تاکتیک بعقب انداختن بررسی مسئله گروگانها در مجلس، از جانب سران حزب، بنا به علل اساسی زیر صورت می گیرد:

الف: فشار توده های اوج گیری مبارزات ضد امپریالیستی توده ها، تکامل سطح آگاهی سیاسی و طبقاتی توده ها که کار آزادی گروگانها را دشوار نموده است. فشار توده ها و نیز حتی فشار رده های پائینی حزب، "رهبران" را دچار مشکلاتی نموده است. آنها بخوبی درک می کنند که آزادی کردن گروگانها بمراتب دشوارتر و "مسئله ساز" تر از تاکتیک ادامه یازداشت گروگانها است. چنانچه زدن بر سر هامه گروگانها بدون توجه باین امر ممکن نیست. زمانیکه تنها مسئله بر سر "تحویل دادن" گروگانها بدولت بود، موجی از اعتراض توده های بحرکت افتاد. بطریق اولی، در شرایط کنونی، آزادی کردن گروگانها تحت هر پوشش و بهانه، بدون تشدید بحران سیاسی و تغییر ناگهانی فضای سیاسی که بزبان موقعیت حزب منجر می شود، نمی تواند صورت گیرد. برای سران حزب این تناقضی است که باید بقبول بحد کافی در مورد آن بیاندیشند! ب- نزدیکی انتخابات ریاست جمهوری آمریکا: بنا بر توضیحی که قبلاً داده شد، مسئله گروگانها به یک امر مهم در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا تبدیل شده است. از یکسو سیاست کارتر آزادی هر چه سریعتر گروگانهاست و از سوی دیگر حزب جمهوری با ملاحظه مسئله فوق، میخواهد با به تعویق انداختن بررسی مسئله گروگانها در مجلس وارد آوردن بیشترین فشار بر آمریکا، "آبرومندانه" و از موضع قدرت امتیازات بیشتری را کسب کرد. مؤازر آزادی گروگانها را موجه جلوه سازد. ج- اختلافات درونی حزب جمهوری اسلامی: در این مورد، ما تنها به آخرین فاکت مشخص اشاره می کنیم. این فاکت عبارتست از اختلاف بر سر نخست وزیری رجائی که اخیراً از جانب بهیشتی، کاملاً آشکار شد. بهیشتی در مواضعی با خبرنگاری خارجی نظیر جلال الدین فارسی رامینی برای یک رجائی دارای تمام شرط های صلاحیت برای نخست وزیری نیست، خلاف نظر رسمی حزب دانست و... اتخاذ سیاست واحد و مشخص برای حزب جمهوری که از نقش تعیین کننده ای در قبال مساله گروگانها برخوردار است، دارای اهمیت بسزائی است. اختلاف بر سر مسئله گروگانها اگر در فرآیند حزب در مجلس منعکس گردد نه تنها اختلافات درونی حزب را عمیقتر خواهد کرد بلکه بموجودیت سیاسی حزب لطمات شدیدتری وارد خواهد کرد. بنا بر این تاکتیک به تعویق انداختن بررسی مسئله گروگانها "کوششی" است که سران حزب بمنظور دست یافتن به یک سیاست مشخص انجام می دهند. با اعتقاد ما بدون توجه بعوامل فوق نمیتوان به تجزیه و تحلیل مسئله با اهمیتی نظیر گروگانها پرداخت.

کمکهای مالی در یافت شده

جمعیت	مبلغ	جمعیت	مبلغ	جمعیت	مبلغ	جمعیت	مبلغ
رفقای اهواز	۹۴۵	رفقای اهواز	۳۱۴۰	رفقای اهواز	۵۰۵۰	رفقای اهواز	۲۰۳۲۴۳
ب- س ۳۱۴۰	۳۱۰۰	رفقای اهواز	۵۰۷۷	رفقای اهواز	۱۰۷۳۳	رفقای اهواز	۴۱۷۱
ف ۵۲۰۰	۶۳۱	رفقای اهواز	۵۰۷۷	رفقای اهواز	۱۲۶۵۰	رفقای اهواز	۱۵۴۰
ق ۶۳۱	۵۳۲۱	رفقای اهواز	۶۵۶۵	رفقای اهواز	۱۱۷۲	رفقای اهواز	۱۰۰۵۵۵
رفقای لرستان	۲۵۱۱۱	رفقای اهواز	۶۵۶۵	رفقای اهواز	۱۴۴۹	رفقای اهواز	۱۲۲۹
ب ۲۵۱۱۱	۲۱۱۱	رفقای جنوب	۲۳۰۷	رفقای جنوب	۵۳۸۱	رفقای جنوب	۱۲۲۹
ح ۲۱۱۱	۳۰۱۰	رفقای جنوب	۲۳۰۷	رفقای جنوب	۱۲۸۱	رفقای جنوب	۲۲۸۸
د ۳۰۱۰	۲۹۱۷	رفقای جنوب	۲۳۰۷	رفقای جنوب	۷۴۹	رفقای جنوب	۷۵۷۰
ز ۲۹۱۷	۲۱۰۲	رفقای جنوب	۲۳۰۷	رفقای جنوب	۳۵۲۳	رفقای جنوب	۱۱۰۰
ع ۲۱۰۲	۱۸۳۳	رفقای کرمانشاه	۳۲۱۸۳	رفقای کرمانشاه	۵۹۱۲	رفقای کرمانشاه	۳۰۲۰
م ۱۸۳۳	۱۰۱۱۱	رفقای کرمانشاه	۳۲۱۸۳	رفقای کرمانشاه	۵۹۱۲	رفقای کرمانشاه	۱۸۲۵
ه ۲۲۲۲	۲۲۲۲	رفقای خاورشهر	۱۴۰۰	رفقای خاورشهر	۶۳۰	رفقای خاورشهر	۷۵۷۵
رفیق "س" امانت	شمارسید	رفقای خاورشهر	۱۴۰۰	رفقای خاورشهر	۶۳۰	رفقای خاورشهر	۵۱۳۵
		رفقای دهکده دار	۱۲۰۰	رفقای دهکده دار	۶۳۰	رفقای دهکده دار	۵۱۰
		رفقای دهکده دار	۱۲۰۰	رفقای دهکده دار	۶۳۰	رفقای دهکده دار	۹۴۵
		رفقای دهکده دار	۱۲۰۰	رفقای دهکده دار	۶۳۰	رفقای دهکده دار	۲۳۰۱
		رفقای دهکده دار	۱۲۰۰	رفقای دهکده دار	۶۳۰	رفقای دهکده دار	۱۰۵۲۵
		رفقای دهکده دار	۱۲۰۰	رفقای دهکده دار	۶۳۰	رفقای دهکده دار	۸۵۸۵

رفقا، دوستان، هواداران سازمان همیشه با اتکابکمکهای مالی شما توانسته در راه انجام وظایف انقلابی خود گام بردارید. کمکهای خود را از راههای مطمئنی که می شناسید به سازمان برسانید و حتماً برای خودک و حرفی از انقبای انتخاب کنید و اگر بعد از سه هفته کد مبلغ چاپ نشد بماند ذکر بدهید.

استقلال - کار - مسکن - آزادی

● بررسی مختصر جنبش کاری در دو سال گذشته (۷)

اوج‌گیری مجدد مبارزات اقتصادی طبقه کارگر

مستقل از سلطه جریان‌های خرد بورژوازی و بورژوازی همچنان تکامل و بالندگی جنبش طبقه کارگر را نشان می‌دهد.

قبلاً گفته بودیم که تحول و دگرگونی شکل‌های کارگران از سندیکاها و زرد به تشکلهای انقلابی و سرخ از چند ماه قبل از قیام آغاز شده بود و بخصوص شور مبارزاتی و شعور حاصل از قیام، کارگران را متشکل کرده بود.

با یستی اضافه کنیم که علاوه بر این و از همان ماههای اول بعد از قیام پیروان تکامل و تعالی تشکلهای نیز آغاز گردید. بدین ترتیب که مثلاً پس از شکل‌گیری شورا در یک قسمت، شورای مرکزی آن واحد بوجود آمد و در جریان مبارزه بحکم ضرورت و نیز با نقشی که عناصر پیشرو و فعال بازی میکردند، شوراها یکی به رشته صنعتی در بخش‌های مختلف منطقه (و یا شوراها یا مختلف یک منطقه) و یا مناطق مختلف کشور بهم وصل میشدند و تشکلی سراسری بوجود می‌آوردند.

شورای کارخانجات کبریت‌سازی تبریز، توکلی و ممتاز، شورای مرکزی یا لایسگاه، شورای برق و غیره در زمره چنین تشکلهائی بودند.

بعلاوه اگر این تشکلهای را در اواسط تابستان و قبل از تهاجم بگردستان اینجا و آنجا دیده میشد و با تهاجم زمینهای گسترش آنها از بین رفت، بعد از تسخیر سفارت و در ماههای آخر سال ۵۸ این تشکلهای عالیتر ابعاد چشمگیری یافت و در بسیاری از مراکز و قطبهای صنعتی چنین اتحاد و همبستگی بوجود آمد.

"اتحادشوراهای کارخانجات رشت (شامل ۳۷ کارخانه) حول محور دریافت سود ویژه و عیدی در اسفند ماه از جمله بهترین نمونه‌های همکاری و همبستگی طبقاتی در واحدهای تولیدی یک منطقه بوده است.

بیش از بیست هزار کارگر این واحدهای تولیدی با هماهنگ کردن حرکات اعتراضی و اعتصابی خود (اعتصاب، میتینگ، تظاهرات، تحصن و غیره) جهت تحقق خواستههای خود در روی دولت ایستادند و حتی بنی صدر را بمنطقه کشانیدند و دست‌آوردهای قابل توجهی نیز رسیدند (دریافت حداقل ۱۰ هزار تومان سود ویژه و ۱۰۰۰ اتحادشوراهای کارخانجات تبریز، "کانون شوراهای منطقه ای اراک شورای متحده" غرب تهران و "کانون شوراهای شرق تهران" از جمله نمونه‌های قابل ذکر است که بیان‌کننده ارتقاء سطح تشکل و وحدت عمل، ارتقاء سطح آگاهی کارگران و درک طبقاتی آنهاست.

انداخت بلکه به پرداخت مسای سود ویژه و تعیین حد اکثر آن اقدام نمود (کارخانه پارس الکتریک و ۱۰۰۰ در آن واحدهایی که کارگران تشکل نیرومندی نداشتند اما سابق مبارزاتی و سطح آگاهی نسبتاً بالایی داشتند با صدور اعلامیه و تهدید با اعتصاب و حتی اقدام به اعتصاب، راهپیمائی و مراجعه به مدیریت و وزارت کار دولت را زیر فشار قرار دادند.

و بالاخره در کارخانجاتی که شوراهای فرمایشی کاملاً مسلط بودند اعتراضاتی بصورت طومار نویسی و نامه به وزارت کار و شورای انقلاب صورت گرفت. نتیجه این اعتراضات آن شد که وزارت کار و شورای انقلاب ابتدا ناگزیر شدند در پرداخت سود ویژه را مجدداً بپذیرند و اجرای آن را طبق ماده واحده هیئت از سر برقرار کنند.

اما تعیین میزان حق السهم کارگران بر پایه میزان پرداختی در سال ۱۳۵۶ (در بهمن ماه ۵۸) چندان از ناراضی اکثریت کارگران نکاست و موج اعتراضی و مبارزاتی کارگران برای دریافت سود ویژه در سراسر ماههای بهمن و اسفند ادامه یافت. بعلاوه سر رسیدن موعد پرداخت عیدی و پاداش که ما سفند بود، موجب اوجگیری باز هم بیشتر مبارزه عمدتاً اقتصادی کارگران شد بطوریکه بجزرات می‌توان گفت که در همه واحدهای تولیدی بحث و اعتراض برای گرفتن حقوق فوق جریان داشت این اعتراضات در پاره‌هایی موارد شکل قهراً میز بخود می‌گرفت و تقریباً غالب آنها به پیروزی کارگران (اگر چه بطور موقت) میانجامید توضیح آنکه سرمایه داران و کارفرمایان سود ویژه را تحت عنوانی چون پاداش، اضافه‌کار، تقسیم بخشی از سودی که کارفرما در سال‌های قبل ذخیره کرده بود، و ام بدون بهره و غیره به کارگران پرداخت می‌کردند.

فشار مبارزاتی کارگران در رابطه با دریافت سود ویژه و بالاخره هدایت آنجا انجامید که وزارت کار با صدور اعلامیه‌ای در آخرین هفته‌های سال، جای هرگونه گریز از اجرای ماده واحده (نحوه پرداخت سود ویژه) را باز گذاشت و اعلام کرد در واحدهایی که میزان سود بالا بوده است کارفرمایان و سرمایه‌داران مجازند که مستقلاً با کارگران به توافق برسند.

با یستی متذکر شد که اگر چه شکل مبارزاتی کارگران در آخرین ماههای سال گذشته فت کرد (از سیاسی به اقتصادی) اما گستردگی و پیوستگی جنبش و بروز نشانه‌های چشمگیری از هماهنگی و همبستگی طبقاتی

گفتیم که در طی ماههای آبان و آذر بعلاوه مجموعه عوامل عینی و ذهنی حاکم بر جامعه جنبش توده‌های ابعاد گسترده‌ای یافت. حزب جمهوری اسلامی که ابتدا تصور چنین اقبالی را از جانب توده‌ها (پس از تسخیر سفارت) نداشت، (نقل بمعنی از خطابه‌های مکرر سران حزب) یا درک موفقیت بسرعت رنگ عوض کرد و در پوشش مبارزه علیه آمریکا با تمام تلاش خود در با نحراف کشانیدن مبارزه توده‌ها کوشید. تسلط ذهنیت خرد بورژوازی بر کلیه فشار و طبقات خلق و حمایت بیدریغ، نامحدود و نامشروط اپورتونیسیم حاکم بر سازمان (که دیگر مواضع فرصت طلبانه‌ها شرا تدرین کرده‌ها انتشار هم داده بود) آنچنان زمینه مناسبی برای حزب جمهوری اسلامی فراهم نمود که حزب توانست هر صدای اعتراضی کارگران را با برچسب "ضدانقلاب" و "عامل بیگانه" بپوشاند و سرکوب کند و عدم تحمل طبقاتی خود را از کوچکترین اعتراضات توده‌ها بیخوابی بنما پیش بگذارد. موج خشمگینانه توده‌های تحریک شده آگاه و به هیجان آمده علیه مبارزات صنعتی - اقتصادی کارگران همه جا بحرکت درآورد شد. انجمن‌های اسلامی این زواید حزب جمهوری با بسیج و تحریک توده‌ها در پوشش حمایت از مبارزه ضد امپریالیستی جاری (و مبارزه با تحریم اقتصادی، به چماق سرکوب سرمایه‌داران و کارفرمایان تبدیل شدند.

اما فشار اقتصادی بپوشش تراژیک بود که توهم دامن زده شده توسط حزب جمهوری بتوانند عمری طولانی داشته باشد. هنوز دو سه ماهی از اوج سلطه این توهمات نگذشته بود که توده‌های کارگران نا راضی و بیتنگ آمدند از فشار مشکلات اقتصادی (کمبود ما بحتاج عمومی، گرانی، بیکاری و غیره) اعتراضات وسیع خود را از سر گرفتند. شورای انقلاب که در طی این ماهها بر توهم توده‌ها سوار بود کوشید با تصویب آئین نامه‌ها و قوانین متعددی تا میتواند رسالت ضد کاری خود را بنحوا حسن با انجام رساند. از جمله مصوبات شورای انقلاب در این دوره لغو پرداخت سود ویژه کارگران بود. ابلاغ این قانون به وزارت کار جهت اجرای واحدهای تولیدی، موج اعتراض کارگران را برانگیخت. کارگران واحدهای تولیدی مختلف بسته به میزان آگاهی، سطح تشکل و سطح پیوند پیشروان طبقه با جنبش کارگران و انکشافهای اعتراضی متفاوتی از خود نشان دادند. در آن واحد‌هایی که شورای کارگران بمثابه نماینده کارگران کنترل کارخانها در دست داشت، نه تنها قانون رابه دور

● فاجعه گچساران ارمغان نظمام سرمایه‌داری برای توده‌های زحمتکش

خبر انفجار یک بار باروت در روستای ده بزرگ باشت از توابع گچساران، که منجر به کشته شدن حدود دویست نفر و مجروح شدن تعداد زیادی از توده‌های زحمتکش میهن ما شد، موجی از تاز و در سراسر ایران برانگیخت. گشته و مجروح شدن تعداد زیادی از هم میهنان ما یکی دیگر از عملکردها و نتایج نظام سرمایه‌داری برای توده‌های زحمتکش میهن ما است. زیرا زندگی توده‌های مردم برای سرمایه‌داری که تنها در پی منافع و سود خویش هستند، ارزشی ندارد. آیا سرمایه‌داران شرکت راهسازی، هیچگاه در این فکر بوده‌اند که ممکن است انفجار مواد منفجره زندگی انبوهی از توده‌ها را بخطر اندازد؟ آیا آنها هیچگاه در فکر تدارک و وسائل و

امکانات استحفاظی و ایمنی بوده‌اند؟ و آیا دولت تاکنون هیچ اقدامی در این زمینه انجام داده است؟ پاسخ منفی است. نه تنها در این مورد بلکه در هزاران مورد دیگر نیز در اثر عدم رعایت و تدارک امکانات ایمنی برای کارگران و زحمتکشان، زندگی آنها، هر روز در معرض خطر جدی است فاجعه گچساران تنها یک نمونه است که بخاطر ابعاد گسترده آن همه هم میهنان ما از چگونگی آن آگاه شدند. اعلام عزای عمومی و تسلیت هیچ دردی از کارگران و توده‌های زحمتکش مدا و نمی‌کند. باید با تامين و تدارک وسائل و امکانات استحفاظی و ایمنی برای کارگران و زحمتکشان جلوگیری یعنی نظیر فاجعه گچساران را گرفت.

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دمکراتیک خلقهای ایران است

اخبار کارگری

گزارشی از مجمع عمومی کارخانه فیلکو

کارگران با اتحاد خود توانستند پنجشنبه‌ها کارخانه را تعطیل کنند

شورای اسلامی کارخانه فیلکو در نیمه مردادماه برخلاف خواست کارگران که تعطیلی پنجشنبه‌ها و پرداخت سود ویژه بود، اعلام کرد در هر روز ۴۵ دقیقه از ساعات کار کم می‌شود اما پنجشنبه‌ها تعطیل نخواهد بود و جای سود ویژه نیز علی‌الحساب به هر کارگری که حقوق داده می‌شود.

یکی از چاره‌کارگران ناتوان می‌دید گفت: "هر قسمت در مورد تعطیلی پنجشنبه نامه کتبی بنویسد که بعد ما با خواهش‌شویم" یکی از کارگران گفت هیچ‌با خواهشی در کار نیست چون در قانون چهار ساعت کار در هفته، ذکر شده که ساعات کار با توافق شورا کارگران تعیین می‌شود در ثانی چرا می‌خواهید امروز و فردا کنید، همین حال که همه هستند رای بگیرید. هر کس موافق است دستش را بالا برد. دستهای همه کارگران بالا رفت، عضو شورا می‌خواست باز بهانه بیاورد اما دستهای کارگران همچنان بالا بود، آنها در همین حین بشورا اعتراض می‌کردند و از سود ویژه حرف می‌زدند نماینده شورا در برابر اتحاد دو ایستادگی کرد کارگران ناچار شدند پنجشنبه را بپذیرند.

سود ویژه

نماینده شورای اسلامی کارخانه در مورد سود ویژه گفت ما هر کاری از دستمان برآمده کرده‌ایم ما به این قانون از طریق کارگران شوراها اعتراض کرده ایم ولی فعلا باید این قانون را اجرا کنیم... صدی اعتراض از همه جا بلند بود، و در دنیا له حرفهای خود گفت "علی الحساب" به هر کس به اندازه یکماه حقوق

کارگران که شورا را در خلاف جهت منافع خود میدانند خواستار تشکیل مجمع عمومی شدند و شورا تحت فشار آنها مجبور به تشکیل مجمع عمومی شد. در این مجمع کارگران خواست خود مبنی بر تعطیلی پنجشنبه‌ها و پرداخت سود ویژه را مطرح کردند یکی از اعضای شورا سخنانی درباره "اینکه ما برای شکم انقلاب نکرده ایم و بلکه برای تهذیب فکر انقلاب کرده ایم" عنوان کرد و چون هیچکس او را تأیید نکرد رفت.

عضو دیگری از شورا پشت تریبون قرار گرفت و در مورد تعطیلی پنجشنبه‌ها گفت چون قسمت "فوم" و "پرس" نمیتوانند احتیاجات کارخانه را تأمین کنند تولید باقی مانده می‌باید بهمان میزان هم از درآمد کارگران کم می‌شود. کارگران این دو قسمت گفتند این حرف بی اساس است و آنها هم احتیاجات کارخانه را تأمین میکنند. عضو شورا که خود را در مقابل اعتراض

کارگران کارخانجات دیوشهاب با سلاح اتحاد و یکپارچگی و مقاومت، توانستند توطئه‌ها و کارفرمایان را نقش بر آب سازند.

از مدت‌ها پیش کارفرمایان را دیوشهاب (خرم‌آبادی، رام، رازی،...) که از اتحاد کارگران بوحشته فتاده بودند با دسیسه چینی، کارخانه را به دو بخش نجاری و مونتاژ تقسیم و محل این دو بخش را از هم جدا کردند. در پی این تقسیم‌تحمیلی، کارگران بخش نجاری با پیگیری و تلاش شورا یواضعی خود را تشکیل دادند. کارگران نجاری کم‌کم متوجه کمبود و تأمین مواد اولیه در کارگاه شدند و برای اینکه کارخانه تعطیل نشود، از طریق شورا از کارفرما خواستند مواد اولیه مورد نیاز را تأمین کنند. اما کارفرمایان از دادن مواد اولیه سر باز زدند. کارگران نیز در از این

پرداخت می‌شود، الان هم وقت نماز جماعت است، اگر کسی مخالفتی دارد بعداً میتوانیم صحبت کنیم. اما کارگران فریاد می‌زدند "تا تکلیفمان روشن نشود نمی‌رویم... همه سالن را فرا گرفته بود. کارگران همه اعتراض می‌کردند و به حرف‌های اعضای شورا که صراحت داشتند همه بروند نماز جماعت بخوانند توجهی نمی‌کردند. بالاخره یکی از اعضای شورا که برای مذاکره با کارفرما رفته بود با زگشت و اعلام کرد که با خواست کارگران مبنی بر تعطیلی پنجشنبه‌ها موافقت شده و می‌تواند "علی الحساب" هم به پنج هزار تومان رسیده است. شورای اسلامی کارخانه آن روز در مقابل اتحاد و ایستادگی یکپارچه کارگران مجبور به عقب‌نشینی شد با اینهمه روز دوشنبه بیستم مرداد یعنی فقط چند ساعت قبل از شروع تعطیلات سالانه کارخانه بجای پنج هزار تومان اعلام شده به هر کارگر معادل یکماه حقوق پرداخت کردند. کارفرما با همکاری شورای کارخانه با این هیله خود فرصت اعتراض به کارگران نداد اما کارگران فیلکو میگفتند ما بعد از تعطیلات کارخانه برای گرفتن حق خود اقدام می‌کنیم، ما با این حق‌های سرمایه داران از میدان در می‌رویم."

کارگران رادیو شهاب با همبستگی،

اراده خود را بر کارفرمایان تحمیل کردند

عمل کارفرمایان، از تحویل دادن کابینت‌های ساخته شده به قسمت مونتاژ خودداری کردند کارفرمایان که با این اقدام کارگران مواجه شدند کوشیدند تا با توطئه چینی و نفاق افکنی کارگران مونتاژ را وادار سازند از کارگران نجاری کابینت تحویل بگیرند اما از آنجا که کارگران به ضرورت اتحاد دو یگانگی در برابر کارفرما پی برده بودند به همکاری با آنها تن ندادند و همپای همکاران خود در بخش نجاری به مبارزه علیه دسیسه‌ها و فریبکاری‌های کارفرما ادامه دادند و سرانجام شورای کارگران نجاری را دیوشهاب با پشتیبانی و حمایت کارگران بخش مونتاژ توانستند بسازند. فرمایان خود، مانع تعطیل شدن کارخانه و بیکاری خود شوند.

دریافت هزینه سرکوب زحمتکشان

از خود زحمتکشان!

احوال عمومی (!؟) و ایجاد سد معبر به دادگاه انقلاب معرفی خواهد شد و هزینه‌های ناشی از برداشت دکه‌ها نیز دریافت خواهد شد. این است روش شهرداری جمهوری اسلامی، هم دکه‌ها و بساط‌هایی را که مردم آمد و وسیله معاش زحمتکشان است برمی‌چیند و هم هزینه‌های این کار را از زحمتکشان از کار بی‌کار شده دریافت می‌کند. در یک کلام شهرداری جمهوری اسلامی میخواهد هزینه سرکوب زحمتکشان را از خود زحمتکشان بگیرد.

در ادامه برچیدن دکه‌ها و بساط حاشیه‌خیابان‌ها و سرکوبی دکه داران زحمتکشان توسط دولت، اخیراً شهرداری رشت نیز اطلاعیه‌ای صادر کرده که دکه داران زحمتکشان این شهردار و اخطار داده است که هر چه زودتر دکه‌ها و بساط‌های خود را جمع کنند. در این اطلاعیه آنچه که پس از تهدیدهای شهرداری، جالب توجه می‌نماید این است که، شهرداری به دکه داران اخطار کرده: "بدیهی است چنانچه شهرداری خود را با اقدام به برداشت دکه‌های مزبور کند، صاحب دکه، به جرم تجاوز به



سود ویژه، که قسمتی از دستمزد کارگران است، باید پرداخت گردد

رئیس مجلس از چه موضعی به اتحاد...

بقیه از صفحه ۱

فعال این شورا، در جهت سامان دادن به نظام سرمایه داری، تصویب قوانین ضد کارگری و ضد توده های بیفلسخ سرمایه داران نظیر مصوبات ضد کارگری آخرین لحظات حیات شورای انقلاب و شرکت فعالانه در بازسازی و ترمیم ارگانها و نهادهای ضد خلقی رژیم گذشته بوده است. وی نه تنها بعنوان یکی از اعضای شورای انقلاب بلکه بعنوان یکی از رهبران حزب جمهوری اسلامی در جهت سرکوب نمودن توده های مردم و پایمال نمودن حقوق و آزادیهای دمکراتیک توده ها، یورش و حمله به سازمانهای انقلابی نقشی فعال داشته است. او اکنون در مقام ریاست مجلس همان عملکردهای خود را ادامه می دهد و نه تنها در جهت خدمت به سرمایه داران و در جهت خلاف منافع توده ها تصویب قوانین می پردازد بلکه بیش از پیش در جهت نزدیکی به امپریالیسم گام برمی دارد.

رفسنجانی که خود یکی از سرمایه داران (مالک باغهای پسته در رفسنجان، سهامدار شرکتهای متعدد) است و از موضع بورژوازی متوسط حرکت می کند، از منافع سرمایه داران دفاع می نماید و منافع طبقاتی اش را با منافع دیکل و اتحاد عمل با امپریالیستها و دشمنی آشکار با کمونیستها و دیگر نیروهای انقلابی که همه جا در سخنرانی ها و موضع گیریهای وی به چشم می خورد، و امیدارد، منافع او بعنوان نماینده بورژوازی متوسط در حفظ سیستم سرمایه داری، اتحاد با امپریالیستها و دشمنی آشکار نسبت به طبقه کارگر و کمونیستها نهفته است. وقتی که رفسنجانی به اتحاد عمل دول امپریالیستی علیه کمونیستها اشاره می کند، بهتر از هر کس آگاه است که آنها در دشمنی با کمونیستها استاد تراز خود وی هستند اما او میخواهد به زبان بی زبانی بآنها بگوید که ما علیرغم تمام خرده اختلافات، موضع مشترکی در قبال حفظ سیستم سرمایه داری و مقابله با کمونیستها دارا هستیم و شما باید این مسئله را بخوبی درک کنید. هنگامیکه او بصراحت از نزدیکی جمهوری اسلامی به دول

امپریالیستی اروپا و ژاپن سخن می گوید و آنها را نیز همانند جامعه ما تحت سلطه امپریالیسم آمریکا می داند، در حقیقت از منافع طبقاتی جناحی از بورژوازی وابسته ایران که پیوند هر چه بیشتری با سرمایه های مالی و انحصارات اروپائی و ژاپنی دارند، دفاع می کند. سران و دست اندرکاران حزب جمهوری اسلامی در حالی که توده های مردم زیر فشار فقر و فاقه ناشی از سلطه طولانی امپریالیسم و نظام طبقاتی قرار دارند و بیش از پیش نیاز این ستم دوگانه را بردوش خود احساس می کنند، توده ها را میفریبند و در جهت نزدیکی به امپریالیسم گام بر میدارند. امروز در حالی که توده های تحت ستم میهن ما در درو امپریالیسم به سرگردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی آن یعنی سرمایه داران قرار گرفته اند، هیئت حاکمه نه تنها توده های مردم را از مبارزه واقعی و بنیادی علیه سلطه امپریالیسم باز داشته است و می گوشت توده ها را متقاعد سازد که امپریالیسم در آمریکا خلاصه میشود و آنها هم فعلا دستش از میهن ما کوتاه شده است. بلکه تلاش می کند که یک چنین تصور کاذب را در ذهن توده ها پدید آورد که امپریالیستها در اروپا و ژاپن دوست خلق ایرانند، این نه تنها موضع بنی صدر و امثالهم بلکه موضع رفسنجانی و دیگر شرکای او است. اما توده های میهن ما در راس آنها طبقه کارگر اکنون آگاهند که تمامی فلاکت و بدبختی، فقر و خانه خرابی آنها محصول سلطه امپریالیسم و سیستم سرمایه داری وابسته است و امپریالیسم تنها در امپریالیسم آمریکا خلاصه نمیشود و مبارزه با آنها جدا از مبارزه علیه سرمایه داران نیست. اقتصاد جامعه ما که سرمنشاء و شالوده هر گونه وابستگی دیگر از جمله وابستگی سیاسی، فرهنگی و نظامی است و وابسته به سیستم جهانی سرمایه داری است. کارگران و دیگر توده های زحمتکش میهن ما بخوبی آگاهند که انحصارات ژاپنی، فرانسوی، انگلیسی و... کمتر از انحصارات آمریکائی خطرناک نیستند و آنها نیز همانند

امپریالیستهای آمریکا - سیاسی غارتگرانه و رازناهی در کشورهای تحت سلطه و وابسته از جمله میهن ما تعقیب می کنند و در جهت به بند کشیدن خلقهای کشورهای تحت سلطه و وابسته می کوشند. خلقهای میهن ما بخوبی آگاهند که همه امپریالیستها دشمنان خلقهای جهانند و مبارزه علیه امپریالیسم و سلطه آن، از مبارزه علیه سرمایه داران وابسته (خواه بزرگ و یا متوسط) و بطور کلی سیستم سرمایه داری وابسته جدا نیست. اما هیئت حاکمه که از منافع سرمایه داران دفاع می کند، می کوشد مسیر مبارزه ضد امپریالیستی توده ها را منحرف کند، و آنرا با کمالهای انحرافی بکشاند. پس چه جای تعجب است هنگامیکه می بینیم در حالیکه سران حزب جمهوری اسلامی نظیر، رفسنجانی ها و بهشتی ها همگام با لیرالها به بازسازی سیستم سرمایه داری وابسته می پردازند، از خطر کمونیسیم و مقابله با آن دم می زنند زیرا پیش از مبارزه با بقایای رژیم گذشته، نیروهای انقلابی و کمونیستها را تحت شدیدترین فشارها و پیگردها قرار میدهند، آنها را از کارخانه ها و ادارات اخراج می کنند و بمنظور مقابله با نفوذ نیروهای انقلابی مراکز آموزشی نظیر دانشگاهها را تعطیل می کنند، آگاهترین و مبارزترین دبیران و معلمین دبیرستانها و دبستانها را اخراج می کنند و هزاران توطئه علیه کمونیستها و دیگر نیروهای انقلابی تدارک می بینند رئیس مجلس با حرکت از چنین موضعی است که در ملاقات خود با نمایندگان دول امپریالیستی مطرح می کند "من به شما نقطه مقابل را پیشنهاد می کنم و از شما میخواهم آزادتر فکر کنید و بحثی نیست که بلوک غرب در مقابل خطر کمونیسیم نیاز به اتحاد و همکاری دارد" هماین حقایق که هر روز انبوهی دیگر به آنها افزوده میشود، ماهیت هیئت حاکمه و حزب جمهوری اسلامی را بیش از پیش افشامی کند و دشمنی آشکار آنها را نسبت به نیروهای انقلابی بر ملا می سازد.

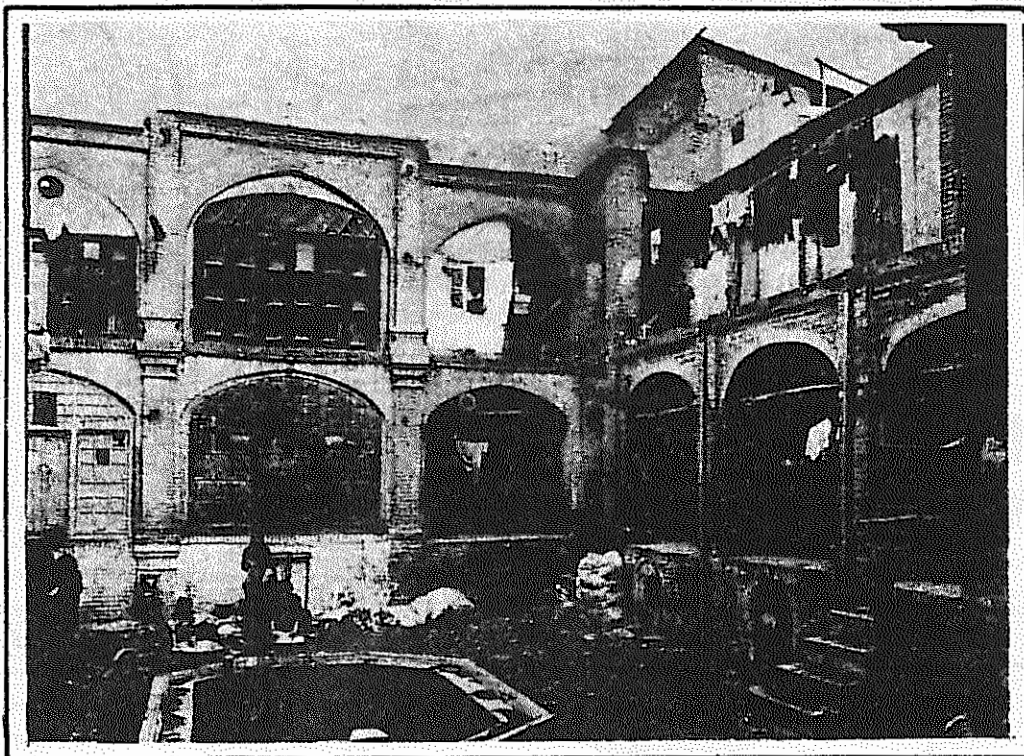
مزارع برنج روستاهای اطراف سیاهکل از بی آبی سوخت

● یک پاسدار به دهقانان این منطقه گفت، چون شما اهل سیاهکل هستید بروید از خلقی ها کمک بگیرید

امسال به علت کم آبی مزارع برنج روستاهای اطراف سیاهکل سوخت. دهقانان روستاهای اطراف سیاهکل که در حدود ۵ هزار تن هستند، از فقیرترین اقشار دهقانی این منطقه اند. نبودن آب کافی، رسایل کشت و زرع، بهداشت، جاده، مدرسه به همراه گرانگسری و آلودگی زیست محیطی با نگرانی از زلزله و مشکلات دیرینه آنها است. اکثر روستاهای اطراف سیاهکل با آنکه نمی توانند از آب کانال سراسری بهره بگیرند، اما هر ساله برای هر هکتار زمین باید مبلغی معادل ۱۵۰ تومان پول آب و ۱۵۰ تومان پول برق بده دولت بپردازند، در حالیکه نه آب در اختیار دارند و نه برق! امسال به علت کم آبی بیش از حد گرمای کم سابقه، مزارع برنج اطراف سیاهکل سوخت، و خسارت هنگفتی به دهقانان این منطقه وارد آمد. دهقانان نمی توانستند بیش از این شاد را زین رفتن محصول کار و تلاش شبانه روزی خود با شند، برای تامین آب و دیگر احتیاجات خود، به بخشداری و جهاد سازمان زندگی مراجعه کردند و خواهان حفر چاه و نصب

پمپ آب شدند. اما از آنجا فی که دولت ما هیتا نمی تواند و نمی خواهد، مشکلات دهقانان زحمتکش را حل کند، آنها را سراسر دو اند و طبق معمول از این اداره به آن سازمان پاس دادند. دهقانان که از ملاقاتها و مذاکراتشان بیگانه مسئولان ذریع دولت نتایج ای نگرفتند، شورایی تشکیل دادند و مجدداً دست به اقدام زدند. اعضای شورایی از مراجعه به سازمان آب و بخشداری، به سیاهکل پاسداران مراجعه کرده در آنجا یکی از پاسداران به اعضای شورایی دهقانان گفت: "من در جیم آب ندارم که به شما بدهم و بعلاوه شما اهل سیاهکل هستید، بروید از خلقی ها آب بگیرید." این پاسخی که پاسداران به دهقانان محروم ورنج دیده بیا نگر کینه ای آنها به نیروهای انقلابی و سازمانها است زیرا آنها به خوبی میدانند که نیروهای انقلابی و سازمان ما، در عمل نشان داده اند که یا رویا و واقعیتی زحمتکشان هستند. شورایی دهقانان نبرغم تمام سنگ اندازیها و مشکلاتی های ما موران دولتی به مبارزه خود برای گرفتن آب و تامین دیگر نیازهای روستائیان ادامه می دهند.

زمین از آن کسانی است که روی آن کار میکنند



زحمتکشان و مسئله‌ای بنام مسکن

(۲)

● در کشورهای وابسته
"تنگنای مسکن"
نه به معنی کمبود مسکن
بلکه به معنی احتکار و عدم
توزیع عادلانه آن می باشد

ضد رکودی آن در کوتاه مدت رشد بازارهای جدیدی
مصرفی از قبیل مصالح ساختمانی، تزئینات، سرویس
های ساختمانی و... همگی دولت را به دام زدن و رشد
دادن بورس بازی در مسکن میکشاند. دولت وابسته از
طریق مختلف به رشد بورس بازی مسکن یاری میدهد از
جمله افزایش پیمانها و اعتبارات دولتی در زمینه
مسکن، فقط کفایت بگوئیم میزان وامهای مسکن
پرداخت شده از سوی بانکهای کشور بشرح زیر بوده است:

۵۴ سال	۵۵	۵۶
(میلیارد ریال) ۱۲۷/۱	۱۳۵/۶	۱۲۲/۱

(انواع و چگونگی پرداخت این وامها را بعداً بررسی
میکنیم).

درصد سود در زمینه مسکن بسیار بالاست. این
مسئله چندین علت دارد که از جمله، درجه استثمار
بالای کارگران ساختمانی، سرعت گردش سرمایه و بازده
کوتاه مدت آن، کم بودن میزان سرمایه ثابت و تقاضای
روزافزون مسکن را میتوان نام برد. بالا بودن سود باعث
می شود که سرمایه های بزرگ بسوی این رشته سرازیر گردد
سرمایه گذاری بانداشاه و اعوان و انصارش در این رشته
نمایانگر این تمایل سرمایه های بزرگ است. شهرکهای
اکباتان - لویزان - چشمه طرح عباس آباد - شهرک
غرب تهران - شهرکهای کورش - عمران - شهریار و صندوق مسکن
اکباتان و صدها سرمایه گذاری کلان دیگر نمونه هایی از
این حرکت سرمایه های بزرگ در پی سود فراوانی است که
در این رشته عایدش میگردد.

سرمایه بزرگ با ورود خود تمامی زمینه های اصلی
را قبضه می کند و سرمایه خرد را بکناری می زند. در
این راه علاوه بر آنکه تمامی قدرت سرمایه کلان خود را به
خدمت میگردد و از تسهیلات فراوانی چون دریافت
داشتن و دسترسی راحت به مصالح ساختمانی بهره
می برد (نمونه شهرک اکباتان که در اوج کمبود سیمان
به سرعت ساختمانهای بتنی خود را بالا میبرد، بسادگی
این سالها روشن میکند) دولت را نیز بصورت در دست
در خدمت خود دارد و دولت وابسته از طریق بکارگیری
مکانیزم های مختلف در این راه به خدمت اومی شتابان
جمله.

ایجاد قوانین محدودده شهری که توسط آن زمینهای
"لازم" در طرح قرار می گیرد و به "مروغیت" آن افزوده
بقیه در صفحه مقابل

طبق آمار موجود میزان سرمایه گذاری بخش
خصوصی در مناطق شهری و روستائی به صورت زیر است:

۵۴ سال	۵۵	۵۶
شهری ۱۷۳/۷	۲۸۵/۱	۳۹۲/۵
روستائی ۱۶/۴۴	۲۲/۷	۳۱/۳

بوضوح روشن است که همواره میزان کمیتر از ۸٪ کل
سرمایه گذاری بخش خصوصی به روستاها اختصاص یافته
است. با توجه به این مسأله حتی در سال ۵۶ کمتر از
۵۰٪ جمعیت در شهرها زندگی می کرده اند ابعاد
وحشتناک این توزیع نا عادلانه مشخص تر می شود. این
شکل از توزیع نابرابر سرمایه گذاری کمابیش در
مورد شهرهای کوچک نیز دیده می شود. (در سال ۵۷
از کل ۱۰۰٪ سرمایه گذاری بخش خصوصی در مناطق
شهری ۳۷٪ آن متعلق به تهران و ۲۷٪ متعلق به شهر
های بزرگ دیگر بوده است و فقط ۳۶٪ آن به شهر
های کوچک اختصاص یافته. با توجه به ترکیب جمعیتی

● تناقض سیستم سرمایه داری [وابسته] بخوبی در
مورد مسأله مسکن به نمایش در می آید. از سوی بورس
بازی و هجوم سرمایه به زمینها ایجاد مسکن، تولید
آنرا بالا میبرد ولی از سوی دیگر فشار مسکن بر کارگران
وزحمتکشان و توده های مردم و روستا روز بروز
افزون میگردد زیرا تمامی سرمایه گذاری رو به
سوی اقشار مرفه دارد.

تهران که کمتر از ۱۳٪ جمعیت شهری را در بر میگرفته این
تقسیم نابرابر بخوبی چشم می آید. ولی از طرف دیگر بالا رفتن قیمت مصالح ساختمانی
و نایاب شدن آن و کلاً افزایش مخارج تهیه مسکن که
تحت تاثیر تولید کلان مسکن در شهرها قرار دارد به
روستا تحمیل می شود و "تنگنای مسکن" در روستا را به
حد زیادی افزایش میدهد.
دولت وابسته در اوج گیری بورس بازی زمین و مسکن
دارای منافع مستقیم اقتصادی و سیاسی است. جذب
نیروی کار حاشیه نشین درست بصورت مطلوب، برگردش
در آوردن مقدار زیادی از سرمایه ها و در نتیجه خصلت

کارگران و زحمتکشان ایران در زیر فشار استثمار
مضاعف و غارت امپریالیستها در نهایت فقر و فلاکت به
زندگی خود ادامه میدهند. امپریالیستها و یبادی
سرمایه داران در دستمزد ها در سطحی نگه میدارند که
برای بقای کارگران و خانوادهاشان کفایت
کند و در نتیجه این فقر و بی چینی، هدف عمده
تولید کنندگان مسکن در جهت کسب حداکثر سود
بسوی اقشار میانه و بالای خرده بورژوازی
و همچنین طبقه سرمایه دار متوجه میشود
"مسکن کارگری و اصولاً مسکن کوچک
نادر و گران شده و حتی نایاب
می گردند زیرا در این شرایط صنعت ساختمانی
که در مسکن گران بها زمینه بورس بازی به مراتب بهتری
در دست دارد تنها در موارد استثنائی دست به ساختن
خانه های کارگری می زند".

انگلس درباره مسأله مسکن
این مسئله بخوبی از آمار ساختن آنها پیدا است. با
مراجعه به "گزارش اقتصادی و طراز نامه... متوسط
سطح زیربنای ساختمانهای ساخته شده توسط بخش
خصوصی در مناطق شهری در سالهای ۵۴-۵۵ و ۵۶
بالای ۲۰۰ متر مربع قرار دارد و متوسط بناهای شروع
شده در همین سالها بالای ۲۱۰ متر مربع است. این
مسئله بخوبی روشن میکند که تولید بخش مسکن در رابطه
با اجاره و طبقاتی شکل میگردد.

هرگاه با منطق سرمایه داران و در پی سود هر چه
بیشتر به بازار مسکن نگاه کنیم هیچیک از اهداف و علل
سرمایه گذاری در تولید و عرضه مسکن در روستاها یافت
نمی شود. در روستا نه لزومی به جذب نیروی مازاد کار
وجود دارد (چرا که هدف عمده، سرازیر نمودن آن بشهر
ها است) و نه بازار "داغ" مصرف و صرف کننده ای
چون خرده بورژوازی مرفه شهری. در نتیجه از دیدگاه
"منطق سرمایه" سرمایه گذاری مسکن در روستا دلیل
موجهی ندارد و به همین علت است که در صد بسیار
ناچیزی از سرمایه گذاری در این بخش به روستاها
اختصاص می یابد و این خود بر فقر و فشار موجود در
زندگی روستائیان می افزاید. میتوان گفت سرمایه
گذاری مسکن در روستا صرفاً در حدی است که دولت یا
بخش خصوصی مجبور است برای بقای جمعیت روستایی
و حفظ نیروی کار لازم در روستا به آن تن در دهد و نه
بیشتر.

بقیه از صفحه قبل

می شود زمینهای وسیعی نیز در بیرون از محدوده در اختیار دولت قرار میگیرد تا "بموقع" یا تسهیلات فراوان در اختیار سرمایه داران قرار داده شود. تسهیلات برای شهرک سازی، در اوج نگاه لوتکها و خانه های ساخته شده توسط زحمتکشان شهری به بهانه خارج از محدوده بودن تخریب می شود برای ایجاد شهرک ها و مجتمع های مسکونی سرمایه داران در خارج از محدوده، تسهیلات فراوان از سوی دولت ایجاد میگردد و آب و برق و تلفن نیز تامین میشود. تسهیلات برای تشکیل بانک مسکن و پرداخت سهل و ساد و وام و اعتبارات به صندوق های مسکن و مجتمع های بزرگ مسکونی، افزایش پرداخت وام "خرید" مسکن به متقاضیان برای بالا بردن تقاضای موجود در بازار - تنظیم مکانیسم های بهره بانکی و تسهیلات زیاد برای وام های بزرگ که از جمله بهره زیاد برای وام های بزرگ (سازندگان) و دولت وابسته با بگر گیری تمامی این روشها به جایگزینی سریع سرمایه های بزرگ و قبضه بازار مسکن توسط آنها کمک می کند.

دولت خود نیز در بخش آبادانی و مسکن "به سرمایه گذاری دست میزند که وجه عمده آن در سه زمینه اساسی میباشد:

۱- ایجاد تسهیلات زیر بنایی از جمله جاده سازی و اسفالت و آب و برق و... که بزبان ساده خرجی است از جیب توده های محروم و از پول مالیات زحمتکشان در راه سودبری هر چه بیشتر سرمایه های خصوصی.

۲- سرمایه گذاری در بخشهای کم سود از جمله تهیه خانه های کارگری و... این قسمت از سرمایه گذاری صرفا تحت فشار توده ها و اجبار دولت صورت میگیرد دولتی همواره در سطح حسی پائین بوده درصد بسیار کمی از بودجه آنرا تشکیل میدهد.

۳- سرمایه گذاری بعنوان دلال سرمایه های خارجی بشکل ایجاد شرکت های مشترک ایرانی و خارجی - با توجه به ریز سرمایه گذاری های ثابت دولت در ساختمان مسکن و عمران شهری میتوان به مسائلی زیاد پی برد:

سال	۵۴	۵۵	۵۶
میلیارد ریال	۸۰/۱۴	۸۰/۶	۸۶/۷
ساخته شده و تا سیست و عمران شهری	۵۱/۸۰	۶۷/۳	۷۶/۵

تامین مسکن
۱۶۳/۲ ۱۴۷/۹ ۱۳۱/۹۴ جمع
بسیار روشن است که دولت همواره کم تر از ۴۰٪ از سرمایه گذاری اش را در اتماتامین مسکن انجام داده اما بهتر است ببینیم همین سرمایه گذاری نیز به چه شکل مصرف شد:

سال	۵۵	۵۶	۵۷
میلیارد ریال	۴۷/۲	۱۹	۴۶/۱
کارگری و ارز نا قیمت	"	"	"
کارمندان	"	"	"
کارگری و ارز نا قیمت	"	"	"

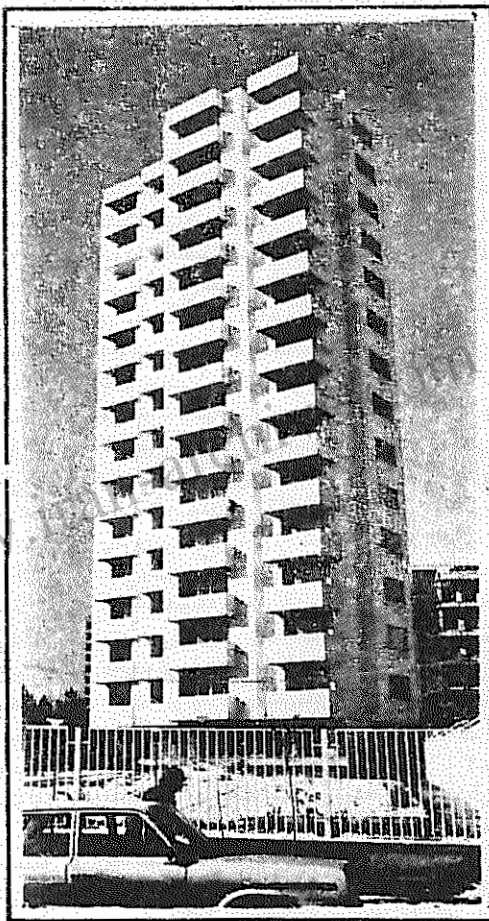
حدود ۲۹٪ صرفا احداث خانه های کارگری و ارز نا قیمت بالاتر از ۵۰٪ برای احداث خانه های سازمانی بخصوص برای کارمندان نیروی دریایی.

از این آمار، جهت گیری سرمایه گذاری بسوی خرده بورژوازی مدرن کاملا مشخص است و بخصوص هرگاه به شیوه تقسیم خانه های کارمندی و شکل پارتی سازی و حاکمیت روابط در این تقسیم ها توجه کنیم مساله روشن تر می گردد.

تمامی این پیروسی در تمام وجوه خود به خانه خرابی هر چه بیشتر کارگران و زحمتکشان می انجامد، از سونی هر کجا صحبت از دسترسی زحمتکشان به مسکن است

ضوابط حاکم که همگی در جهت کسب سود هر چه بیشتر برای سرمایه داران می باشد این امکان را محدود و حتی نابود نمی کند (مثلا خارج از محدوده) در عین حال که رشد سرمایه گذاری در مسکن با افزایش قیمت مصالح و نیروی کار و ایجاد کمبود (عموما مصنوعی) در این زمینه فشار عمده خود را بر دوش کارگران و زحمتکشان وارد می کند و از سوی دیگر بعلت عدم وجود سود کلان در رابطه با تولید مسکن زحمتکشان (بدلیل ذکر شده) در این قسمت تولید اندکی انجام می گیرد. تناقض سیستم سرمایه داری (وابسته) بخوبی در مورد مساله مسکن به نمایش در می آید از سویی بورس بازاری و هجوم سرمایه به زمینها ایجاد مسکن، تولید نا باالامی برد بطوریکه مثلا ساختن آنها تمام شده توسط بخش خصوصی در مناطق شهری در سالهای مختلف به شرح زیر است:

تعداد	۵۴	۵۵	۵۶
	۷۸۳۲۲	۷۹۰۲۴	۹۴۳۳۱



ولی از سوی دیگر فشار مسکن بر توده های بی مسکن و متقاضیان اصلی این "کالا" یعنی کارگران و زحمتکشان و توده های محروم شهر و روستا روز بروز افزون می گردد زیرا تمامی سرمایه گذاری رو به سوی اقشار مرفه دارد. در کشورهای وابسته ۸۰٪ سرمایه گذاری مسکن به ساختمان برای طبقات مرفه اختصاص دارد. بهمین دلیل است که در این جوامع "تنگنای مسکن" در وجه عمده خود نه به معنی کمبود مسکن (بخصوص در شهرها) بلکه به معنی احتکار و عدم توزیع عادلانه مسکن میباشد. برای روشن شدن این مسئله به یک مقایسه آماری دست میزنیم. طبق "سرشماری عمومی نفوس و مسکن" در سالنامه آماری کشور سال ۵۶ تعداد کل مسکن موجود در سال ۴۵، ۳۸۹۸۷۱۷ و در سال ۵۶، ۵۳۳۱۲۲۰ عدد بوده است یعنی در این ۱۰ سال تعداد ۵۳۳۱۲۲۰ - ۳۸۹۸۷۱۷ = ۱/۴۳۲/۵۰۳ عدد واحد مسکونی در سطح کشور ساخته شده است. از طرف دیگر با در نظر گرفتن نرخ رشد جمعیت ۲/۷٪ (سالنامه آماری کشور) جمعیت ایران در سال ۴۵

برابر ۳۳/۵۹۲/۰۰۰۵۵ و در سال ۵۵، ۳۳/۵۹۲/۰۰۰۵۵ بود است و در نتیجه در این ۱۰ سال ۳۳۵۹۲۰۰۰ - ۲۶۴۵۰۰۰۰ = ۷/۱۴۲/۰۰۰ نفر به جمعیت افزود شده که با در نظر گرفتن میانگین پنج نفر برای هر خانوار (۱/۴۲۸/۴۰۰ = ۷/۱۴۲/۰۰۰) تعداد خانوار افزایش یافته ۱/۴۲۸/۴۰۰ است با این مقایسه ساد و روشن می شود که تعداد مسکن ساخته شده در ۱۰ سال در سطح کشور با تعداد خانوار افزوده شده برابر است (حتی کمی بیشتر است) ولی بعینه شاهد افزایش تنگنای مسکن "می باشیم. این مساله بخوبی تقسیم نا عادلانه مسکن و احتکار آن توسط عده ای معدود را روشن می کند.

... همانا هم اکنون در شهرهای بزرگ بقدر کافی ساختمان های مسکونی وجود دارد که در صورت استفاده عادلانه آنها هر گونه "تنگنای مسکن" واقعی فوراً از میان برداشته شود. این با لطمع تنها بوسیله سلب مالکیت از مالکین کنونی و ایجاد ادن بی خانمان ها یا کارگرانی که در مسکن خود بیش از حد در هم فشرده شده اند در خانه های آنها شدنی است.

انگلس درباره مساله مسکن بهمین دلیل است که ما رهای دولتی موجود یعنی آماری که عمداً تعداد مسکن را بر حسب میانگین خانوار یا جمعیت سرانه در هر اناق و... بیان میکند، بازگو کننده عمق بحران مسکن نیست. در این مورد باید دقت بیشتری انجام داد.

طبق آمار موجود (طرازنامه و سالنامه های بانک مرکزی، سرشماری سال ۵۵ و آمار شهر داری) با محاسبه خانه های خارج از محدوده و مسکونی های ارتسی تعداد کل واحد مسکونی در تهران حدود ۱/۱۰۰/۰۰۰ - واحد میباشد. طبق همین آمار جمعیت تهران ۴۸۹۰/۰۰۰ نفر است که هرگاه تعداد میانگین هر خانوار را ۵/۴ نفر بگیریم در تهران حدود ۱۰۸۷/۰۰۰ خانوار زندگی می کنند با مقایسه ای ساده روشن می شود که حدود ۱۳/۰۰۰ واحد مسکونی اضافی در تهران موجود است و در اینجاست که با دو حستناک توزیع نا عادلانه و احتکار مسکن روشن می شود. در حالی که بسیاری از کارگران و زحمتکشان ما شبها را بدون سربنا و با سختی تمام بسر می کنند، در حالی که در دروازه غار در خانه های ۷ اتاقه، ۶ خانوار زندگی می کنند، در حالی که در حلبی آباد مساحت اشغالی توسط هر خانوار ۶ نفره کمتر از ۱۵ متر مربع است. صدها هزار خانه خالی در دست محنکین و اقشار مرفه جا معده قرار دارد.

کامل روشن است که راه حل اصلی تنگنای مسکن (حد اقل در کوتاه مدت) بخصوص در شهرها مساله انقبالی و توزیع عادلانه مسکن احتکار شده در دست اقشار مرفه جامعه می باشد.

فشار مشکل مسکن بر توده ها حرکات اعتراضی آنان در این مورد را سبب می شود این حرکات که در ابتدا بشکل خانه سازی های منفرد در محله های خارج از محدوده است بر اثر اوچگیری خود، به صورت جریان وسیعی از خانه سازی در نواحی خارج از محدوده زمینهای با بر شهری رخ می نماید بطوری که در سال ۵۷ طبق آمار بانک مرکزی ۶۳٪ خانه های ساخته شده در تهران در خارج از محدوده بوده است و این خود وسعت این حرکت را نشان میدهد. در این حالت است که در مقابل فشار رژیم و حملات مزدوران آن برای تخریب خانه ها مقاومت های انقلابی توده ها سازمان می یابد و نطفه های قهر توده ها به بستنه می شود.

در تمامی مبارزات خونین خلق با رژیم پهلوی خواست مسکن بعنوان یکی از ملموس ترین و عینی ترین خواستها وجود دارد و پس از قیام سرخ بهمین است که باروی کار آمدن "دولت موقت انقلاب" این خواسته جای خود را به امید و انتظار از دولت "موردا عتماد" توده ها میدهد. ادامه دارد

مبارزه ضد امپریالیستی جدا از مبارزه برای دموکراسی نیست

این اشکال که از کم تجربه‌گی جنبش کمونیستی و نیز دیدگاه‌های نادرست و انحرافی ناشی می‌شود. یکی از ضعف‌های اساسی جنبش ماست. فقدان یک سازمان منسجم و باتجربه کمونیستی که در طول حیات خود توانسته باشد با تکیه بر تجربیات پرولتاریای بین‌المللی و احزاب کمونیست و نیز تجربه خاص خود بدرستی کار علنی و مخفی را در شرایط مشخصی تلفیق کند، این اشکال را دوچندان کرده است. بارزترین نمونه این نابسامانی را در زمینه کار علنی و مخفی بخوبی میتوان در چگونگی فعالیت سازمان ما تا با امروز مشاهده کرد.

همراه با قیام و شرایط بالنسبه دمکراتیکی که بدنبال آن پیش آمد و محصول مبارزه توده‌ها بود سازمان ما که مدت‌ها بصورت یک سازمان بنسبه بسیار محدود و پراکنده تا کیدیک جانبه و مطلق بر مخفی کاری و فعالیت خود ادامه داده بود پس از قیام به شکلی دیگر گرفتار افراط شد و بصورت یک سازمان کاملاً علنی درآمد. تمامی کادرها، سمپاتی‌ها و هواداران سازمان در هر منطقه، فعالیت‌های گسترده‌ای را آغاز کردند. تشکیلاتی که بویژه در شهرستانها پدید آمد تشکیلاتی باز و صراحتی بود و در حقیقت شاخه‌های تشکیلاتی سازمان در شهرستانها تشکیلاتی مبتنی بر موازین و معیارهای یک سازمان کمونیستی بلکه در نهایت "سازمانهای توده‌ای" بودند. تمامی کادرها و فعالین سازمان در مناطق فعالیت خود شناخته شدند. نتیجه یک چنین سیاستی که خط و مرزهای "سازمان انقلابیون حرفه‌ای" و "سازمان توده‌ای" را از میان برد بود، چند ماهی پس از قیام در مرداد و شهریور سال گذشته با اولین یورش‌های نیروهای سرکوبگر آشکار شد. کادرهای فعال و ورزیده ما در بسیاری از شهرستانها تحت تعقیب قرار گرفتند. آثار شنی و هرج و مرج و نابسامانی تشکیلات را فراموش نکنیم. رفقائی که در محیط کوچک شهرستانها شناخته شده بودند، دیگر قادر نبودند فعالیت خود در همان منطقه ادامه دهند. امروز نیز هر چه شرایط دشوارتر میشود نیروهای انقلابی مورد تهاجم می‌گیرند، نتایج اسفبار این عدم درک تلفیق کار علنی و مخفی بیشتر آشکار میشود. پیش

سخنی با هواداران

نکاتی چند
پیرامون کار مخفی و کار علنی

کمونیست‌ها باید با تکیه بر امکانات بیکران توده‌ها، موجودیت سازمان و تداوم فعالیت کادرهای آن را تضمین کنند و بعبارتی مانند ماهی در دریای بیکران توده‌ها به مبارزه خود ادامه دهند.

بقیه از صفحه ۱

ترین کارگران که در همان حال فعالترین کادرهای کارگری ما در کارخانه‌ها هستند یا اخراج شده و یا شدیداً تحت فشارند. این همه، نتیجه سیاستهای لیبرالی و ضد تشکیلاتی "کمیته مرکزی" بود که در یک مرحله از حیات سازمان ما، با امید بستن بیک دوران آزادی و دمکراسی اعمال شد و نیز نتیجه سیاست انحلال طلبانه‌ای است که "کمیته مرکزی" در جهت تبدیل سازمان بیک تشکیلات صرفاً علنی در پیش گرفت.

امروز در پارهای موارد، عکس العملی که این سیاست غلط در میان هواداران و بخشهایی از تشکیلات محلی پدید آورده است، روی آوری به سیاست نادرست دیگر است که در حقیقت روی دیگرسکه است یعنی دست زدن به فعالیت‌های بیش از پیش مخفیانه و فراموش کردن کار علنی.

بنابراین می‌بینیم که اساساً دو دیدگاه نادرست در زمینه کار علنی و مخفی وجود دارد:

۱- دیدگاهی که بیش از حد و بدون در نظر داشتن شرایط، به کار مخفی بهامیدهد، رابطه کار علنی و مخفی را درکنجی کند و به بهای جدی ماندنش از توده‌ها و در پیش گرفتن شیوه‌های سکتاریستی به مخفی کاری می‌پردازد. این دیدگاه بطور ناقص و یک جانبه سازمان انقلابیون حرفه‌ای برخوردار می‌کند و رابطه میان این سازمان و سازمانهای توده‌ای و دمکراتیک را درک نمی‌کند. درست است که یک سازمان کمونیستی سواي مسائل ایدئولوژیک و بار عایت منتهای مخفی کاری، انضباط آهنین و

از سازطنهای توده‌ای متمایز می‌شود، اما باید در نظر داشت که هیچگاه مخفی کاری و رعایت انضباط آهنین در یک تشکیلات نباید منجر به جدائی تشکیلات کمونیستی از توده‌ها شود. بلکه بالعکس مخفی کاری در شرایطی مفهوم واقعی خود را می‌یابد که ارتباط یک سازمان کمونیستی را با توده‌ها تسهیل کند. یعنی آنچنان شرایطی را فراهم سازد که حتی در شرایط دشوار و غیر علنی رابطه فعال و زنده بین سازمان با توده‌ها حفظ شود. آن عده از رفقائی که رعایت مخفی کاری را مترادف با نفی شیوه‌های علنی مبارزه میدانند و با فرورفتن در خود و محصور شدن در یک چهار چوب محدود و روابط تشکیلاتی رابطه خود را با توده‌های وسیع می‌گسلند درک درستی از مخفی کاری ندارند. آنها بعوض اینکه با تکیه بر امکانات بیکران توده‌ها موجودیت سازمان و تداوم فعالیت کادرهای آن را تضمین کنند و بعبارتی همانند ماهی در دریای بیکران توده‌ها و با پوشش و حفاظت آنها بمبارزه خود ادامه دهند، خود را بیک گروه منفرد و بسته تبدیل می‌کنند. آنها بعوض اینکه خود را از دید دشمن مخفی سازند، از دید توده‌ها پنهان می‌سازند و بدین طریق سازمان را در معرض ضربات جدی و مهلکی از سوی دشمن قرار میدهند. هیچ سازمان کمونیستی بدون ارتباط با توده‌ها قادر نیست خود را از دید دشمن مخفی سازد بنابراین تفاوت بین روشهای علنی و غیر علنی مبارزه تنها در پنهان نگاری نیست بلکه در قیام در رابطه توده‌های یک سازمان کمونیستی بر کار مخفی متکی نیست.

فاکتهای کافی در دست است تا انسان با سانی سیاست انحلال طلبانه‌ای را که "کمیته مرکزی" در پیش گرفت، مورد قضاوت قرار دهد. شاهد بودیم که هرگاه حاکمیت یورش خود را

به منطقه‌ای آغاز کرد، در نتیجه سیاستهای نادرست "کمیته مرکزی" تعدادی از کادرها و فعالین شناخته شده سازمان دستگیر، زندانی و اعدام شدند و در بهترین شکل، مجبور به ترک منطقه شدند. این رفا که دیگر امکان ادامه فعالیت را در منطقه خود نداشتند مجبور بودند به مناطق دیگر بروند. تشکیلات از هم می‌پاشید و ضربات حیران ناپذیری بدان وارد می‌آمد. در حقیقت این دیدگاه، یک سازمان کمونیستی را تا سطح سازمان کمونیستی را در سازمان توده‌ای حل می‌کند. اکنون پس از این مقدمات بپردازیم باین مسئله که در شرایط کنونی چه باید کرد؟ و چگونه باید شیوه‌های علنی و مخفی مبارزه را تلفیق کنیم.

قبل از هر چیز باید در نظر داشت که یک تشکیلات کمونیستی باید این آمادگی را داشته باشد که در هر شرایطی اعم از شرایط دشوار و شرایط بالنسبه دمکراتیک، به فعالیت همه جانبه خود ادامه دهد. یک چنین سازمانی که دارای انسجام و وحدت ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی است، بر مخفی کاری تکیه دارد و موازین امنیتی را که با موجودیت سازمان و کادرهای آن سروکار دارد، رعایت می‌نماید. کادرهای خود را بنحوی تربیت می‌کند که تحت هر شرایطی قادر به ادامه فعالیت و مبارزه پیگیر بوده و از ابتکار لازم برخوردار باشند. یک تشکیلات کمونیستی با چنین خصوصیات که به پنهان نگاری بهای لازم را داده باشد، در شرایط دشوار نیز به آسانی قادر است اشکال مبارزاتی و سازمانی نوین را منطبق با شرایط جدید برگزیند و در حقیقت پنهان نگاری خود را وسیله‌ای برای پیوند هر چه بیشتر با توده‌ها قرار دهد. اما چگونه این سازمان که طبیعتاً با خصوصیات ایدئولوژیک سیاسی و تشکیلاتی اش محدود است، در شرایط بالنسبه دشوار میتواند ارتباط گسترده خود را با توده‌ها حفظ کند؟ یکی از موارد اساسی حفظ این ارتباط از طریق سازمانهای توده‌ای نظیر سندیکاها، شوراهای انجمن‌ها و شوراهای محلی و سوسی و سازمانهای دمکراتیک نظیر سازمان زنان، سازمان دانشجویان، معلمین و

بقیه در صفحه ۹

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیشتاز مبارزات
ضدامپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

پاسخ به سئوالات

سوال - اگر قدرت دولتی بطور عمده در دست بورژوازی متوسط است، پس چرا شعار پیش به سوی جمهوری دموکراتیک خلق و سرنگونی حاکمیت رانمی دهیم؟

در پاسخ بدین سوال ابتدا لازمست تفاوت شعارهای تبلیغی و ترویجی و رابطه آنها را توضیح دهیم و سپس شعارهای استراتژیکی و تاکتیکی و چگونگی طرح آنها را بیان کنیم. شعارهای تبلیغی آنگونه شعارهایی هستند که توده ها را در زمان طرح شعار برای عمل مشخص بسیج نماید و حرکت درآورد. طبیعتاً این شعار باید با عینیت مبارزه توده ها انطباق لازم را داشته باشد. تا زمانی که یک شعار نتواند این خصوصیت را داشته باشد، در طی مرحله ای بنا بر شرایط مشخص باید ترویج شود تا اینکه عوامل عینی جهت طرح عملی شعار فراهم شود. آنگاه همان شعار میتواند بصورت تبلیغی در دستور کار قرار گیرد. در این مورد "له دوان" در کتاب انقلاب ویتنام چنین میگوید: "باید بین شعارهای ترویجی و شعارهای عملیاتی تفاوت قائل شد تا از درگیر شدن توده ها در نبردهای تعیین کننده زود یا دیر تراز وقت مناسب اجتناب شود. هم شعارهای عملیاتی و هم شعار

های ترویجی باید دائماً تغییر یابند تا مناسب تحول مبارزه باشند. بخصوص شعار عملیاتی که از نزدیک مربوط به کوششهای روزانه هستند، باید قابلیت انعطاف بی حد نشان دهند و حتی هر ساعت تغییر کنند، همان طور که موقعیت تحول می یابد، باید بتدریج سطح شعارهای عملیاتی را بالا برد و نهایتاً وقتی که موقع مناسب فرا میرسد شعارهایی را که تاکنون برای ترویج بود، به شعارهایی برای عمل مستقیم و قاطع تبدیل کرد. این برای انقلاب خطرناک است که توده ها را به نبرد قطعی زود یا دیر تراز وقت کشانید. تحت تمام شرایط، مهم ترین چیز و اساسی ترین تضمین برای جلوگیری از اشتباه درک کامل موقعیت مشخص است. یک شعار استراتژیکی که یک دگرگونی منطبق با پایان یک مرحله استراتژیکی را در بردارد برای پیشاهنگ قابل پیش بینی و ملموس و قابل درک است، اما برای توده ها نامی تواند این چنین باشد. ترویج این شعار و انطباق آن با شرایط ویژه و وظیفه پیشاهنگ است. پس از انقلاب فوریه ۱۹۱۷ - هنگامی که قدرت دوگانه حاکم بود و شوراهای بخشی از قدرت را با آنها توده ها کسب کرده بودند،

شعار همه قدرت بدست شوراهای مطرح شد، اما بتدریج که شوراهای به زائد بورژوازی تبدیل شدند و این شوراهای از محتوای انقلابی خود تهی گردیدند، این شعار جز فریب توده ها و اعتماد غیر اصولی به حاکمیت نتیجه ای در بر نداشت و لنین گفت "شعار واگذاری قدرت بدست شوراهای میتوانیم باشد عوت ساده ای برای انتقال قدرت بدست همین شوراهای دانست و حال آنکه صحبت در این باره بود عوت به این عمل در لحظه فعلی معنایش فریب مردم است و هیچ چیزی هم خطرناک تر از فریب نیست، اما بتدریج و با تبلیغ صبورانه پیشاهنگز ما نیکه اعتماد ناآگاهانه به حاکمیت از میان رفت، این شعار بایک محتوای مبارزاتی مشخص که عبارت از سرنگونی قدرتی دولتی و استقرار واقعی شوراهای بود موجب بسیج توده ها می شود به درستی طرح شد و توده ها را به یک عمل انقلابی دعوت کرد. لنین در مورد انتخاب شعارهایی میگوید "هر شعاری باید از مجموعه خصوصیات اوضاع و احوال سیاسی موجود نتیجه گیری شود." (لنین در اطراف شعارها) در شرایط مشخص کنونی هنوز در جامعه ما انبوهی از توده های مردم نسبت به حاکمیت موجود اعتمادی ناآگاهانه دارند علی غم اینکه خواستهای واقعی توده ها تحقق نیافته و امروز فشارهای متعدد اقتصادی زندگی میلیونها نفر از توده های مردم را به تاهی کشانده است. با این وجود بخشهای وسیعی از توده ها به وعده وعیدهای هیئت حاکمه و فرمایشهای آن، دلخوش کرده اند، تا زمانی که این

توهمات درهم نشکسته است و توده ها در زندگی و تجربه روزمره خود بکلی از حاکمیت قطع امید نکنند، طرح شعار سرنگونی حکومت و برقراری جمهوری دموکراتیک خلق شعاری پیش رس می باشد که نتیجه ای جز جدائی پیشاهنگ از توده ها نخواهد داشت. بگذار که کارگران خود بیعینه در این بند که حاکمیت موجود از منافع آنها دفاع نمی کند و نمی تواند بجایگویی نیازهای آنها باشد، بگذار که دهقانان و خرده بورژوازی شهری در عمل سیاست فریب هیئت حاکمه را دریابند، بگذار تمامی خلق بی به سیاست های ضد انقلابی هیئت حاکمه ببرد و ماهیت باصلاح سیاست های امپریالیستی شان روشن شود، آنگاه شرایط طرح شعار سرنگونی فراهم خواهد شد. اکنون وظیفه ما است که با توجه به مبارزه طبقاتی و موقعیت و روحیات توده ها، با مرآگامی و تشکل توده ها بپردازیم. ماهیت اقدامات ضد مردمی هیئت حاکمه را افشا کنیم، در جهت زدودن اعتماد ناآگاهانه و ناشی از زود باوری خرده بورژوازی تلاش کنیم آنگاه طرح شعار سرنگونی و استقرار جمهوری دموکراتیک خلق می تواند شعاری بسیج کننده بود توده ها را به عمل انقلابی بکشد، از آنجا که معتقدیم انقلاب کار توده ها است پس کافی نیست که پیشاهنگ به شعار فوق دست یابد بلکه لازمست پیشاهنگ درک مشخص خود را ترویج نماید تا زمینه تبلیغی شعار فوق فراهم گردد. لنین در آوریل ۱۹۱۷ در پاسخ به کسانی که مطرح می کردند که آیا باید دولت بورژوازی را

فوراً برانداخت پاسخ داد: "آنها باید برانداخت زیرا این حکومت الیگارشی بورژوازی است نه حکومت تمام مردم، این حکومت نمی تواند نه صلح بدهد، نه نان و نه آزادی کامل. آنها نمی توان آنکس سرنگون ساخت، زیرا این حکومت بوسیله سازش مستقیم و غیر مستقیم، بوسیله سازش در گفتار و در کردار با شوراهای پتزر بورژوازی خود را روی پنا نگاه داشته است. آنها اصولاً و سبباً معمولی نمی توان برانداخت، زیرا متکی بر پشتیبانی حکومت دوم، یعنی شوراهای نمایندگان کارگران و سربازان از بورژوازی است." (درباره قدرت - دوگانه) آری حاکمیتی که پس از قیام شکل گرفت، حاکمیتی ماهیتاً بورژوازیست، این حاکمیت نه میخواهد و نه میتواند به نیازهای توده ها پاسخ دهد. این حاکمیت شایسته هیچگونه حمایت و پشتیبانی نیست، هر گونه تلاش در این جهت و آموختن به توده ها که به آن اعتماد نکنند، خیانت به طبقه کارگر و توده های مردم است. این حاکمیت، حاکمیتی خلقی نیست آنها را باید سرنگون کرد، اما نه اکنون و بلاواسطه، بلکه طرح این شعار مستلزم فراهم آمدن شرایط عینی و ذهنی لازم است و ما مطمئنیم همانگونه که امروز دسته دسته توده ها، از حاکمیت جدا میشوند، این پرسه ادامه خواهد یافت و این اعتماد ناآگاهانه که اکنون در میان بخش هایی از توده ها وجود دارد از بین خواهد رفت. یک چنین شرایطی طرح شعار سرنگونی را در دستور کار خواهد داد.

نکاتی چند پیرامون کار مخفی

بقیه از صفحه ۸

غیره است و این مسئله ایست که بویژه در شرایط کنونی مورد نظر ماست. رفقائی که بخصوص در شهرستانها فعالیت می کنند باید در نظر داشته باشند که تشکیلات منطقه ای باید بر اساس ضوابط و معیارهای یک تشکیلات کمونیستی، از انسجام لازم برخوردار بوده و به کامل ترین وجه رعایت موازین امنیتی را بنماید و تشکیلاتی مخفی باشد، اما بسته بوضعیت و جو منطقه و درجه قدرت و توانائی هیئت حاکمه و روحیات و سطح مبارزه توده ها از اشکال متنوع فعالیت های علنی

استفاده کنند و در تمام مراکز تجمع توده های حتی مراکزی که حاکمیت منحصر با اختیار خود درآورده است حضور داشته باشند. رفقاهم اکنون باید در تفکیک کارهای علنی و مخفی باشند و مبلغینی تربیت کنند که بعنوان کارهای علنی، قادر باشند سیاستهای سازمان را تبلیغ کنند، مبلغینی که بصورت کارهای علنی در می آیند، از آنجا که وظیفه آنها دفاع از سیاستهای معین است و نه مستقیماً ایدئولوژی معین،

کمتر در معرض ضربات دشمن قرار می گیرند. مسئله ای که بویژه باید مورد توجه جدی قرار گیرد، دادن بهای لازم به سازمانهای توده ای و دموکراتیک است. پاره ای از رفقای ما در شهرستانها به سازمانهای توده ای که یکی از کارنالهای بسیار مهم پیوند با توده ها است و در هر شرایطی، بویژه شرایط دشوار، اهمیت اساسی دارند بهای لازم را نمی دهند و تنها به تشکیلات محدود خود کار مخفی فکری می کنند و به ایجاد، تقویت و شرکت فعال در سازمان های توده ای توجهی ندارند، این دیدگاه اساساً اشتباه است و واقعیت اینست که گرچه هنوز

هیئت حاکمه در وضعیت نیست که به سرکوب سیستماتیک و سازمان یافته بپردازد، اما با توجه به چشم انداز موجود، بدون ارتباط با توده های وسیع از طریق سازمانهای توده ای حفظ و تقویت پیوند با توده ها دشوار خواهد بود و نیز باید در نظر داشت که شیوه عمل ما بگونه ای باشد که هم رابطه تشکیلات کمونیستی با سازمانهای توده ای حفظ شود و هم اینکه به اساس و بنیاد تشکیلات مخفی ما خدشهای وارد نیاید و تشکیلات را تا سطح سازمان توده ای تنزل ندهد. بدین منظور رفقاهم با توجه به تفکیک سازمان انقلابی - حرفه ای سازمانهای توده ای در همان حال که در پی ایجاد،

تقویت و گسترش سازمانهای توده ای هستند، هسته های سرخ خود را که هسته های تشکیلاتی هستند در سازمانهای دموکراتیک و توده ای ایجاد می کنند و با تکیه بر این هسته های سرخ رهبری و هدایت این سازمانها را در دست می گیرند و سیاستهای تعیین شده از جانب سازمان را پیش می برند. باید در نظر داشت که سیاست ما در سازمانهای توده ای نسبت به سایر نیروها، مترقی و انقلابی، با رعایت حد و مرز سیاسی - ایدئولوژیک، وحدت عمل با آنها در مقابل نیروهای ارتجاعی، رفرمیست و سازشکار است.

تعطیل دوازده روز در هفته تامین کننده رفاه کارگران و لازمه ارتقاء آگاهی آنان است

با افشای توطئه غیرقانونی کردن گروه‌ها و سازمان‌های ...

بقیه از صفحه ۱

بخاطر دارنده چگونه در روزهای قیام بهمن ماه نام فدائی‌ها با غریب‌نوا توده‌های بی‌پایا خاسته عجب گشتود را بی‌روزه‌های پرشکوه، فدائیان خلق و سایر نیروها یا انقلابی پیشاپیش توده‌های خلق به پایا نگانها، کلانتریها و دیگر مراکز جوریستم رژیم منفور پهلوی حمله بردند و به نبرد با عوامل مزدور و سرسپرده پرداختند.

سرانجام هنگامیکه رژیم دیکتاتور شاه به دست توانای زحمتکشان سرنگون گردید، پس از سالیان دراز اختناق و دیکتاتور قضاوتی با لنسبه دموکراتیک به نیروی توده‌ها بر میهن ما حاکم شد. فدائیان خلق و دیگر نیروهای انقلابی جهت تعمیق و گسترش جنبش ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلق به گشودن دفاتر علنی اقدام کردند و پس از سالها مبارزه مخفی فعالیت سیاسی را از نو آغاز کردند.

آنچه چنین مکانی را برای فدائیان خلق و سایر نیروهای انقلابی فراهم آورد همانا اعتماده بود که این نیروها بر اساس مبارزه فداکارانه و بی‌امتحان علیه رژیم دیکتاتور شاه و اربابان امپریالیستش در طی سالیان دراز نبرد توده‌ها بدست یافتند بودند و گرنه به زما مدارا جمهوری اسلامی زهمه نروزه‌های نخستین پس از قیام به انحاء مختلف کوشیدند تا فعالیت این نیروهای واقعا ضد امپریالیست را هر چه محدودتر سازند. فدائیان خلق میکوشند تا مبارزات توده‌ها را ارتقاء داده و جنبش ضد امپریالیستی را تعمیق بخشند. آنها علل بدبختی‌ها و فقر و فاقه توده‌ها را زحمتکشانی که ریشه در نظام استثمار سرمایه‌داری وابسته دارد برای مردم توضیح میدهند و مفهوم واقعی امپریالیسم و چگونگی سلطه آنرا در جامعه ایران برای توده‌ها

روشن می‌سازند، کارگران دهقانان و دیگر زحمتکشان را به منافع طبقاتی شان آگاه می‌گردانند، بی‌ایگاه و خلی امپریالیسم را به توده‌ها نشان میدهند و بر ضرورت برانداختن نظام گندیده سرمایه‌داری - وابسته و محوگر گونه استثماری و استثمار می‌کنند، با سرمایه‌داری و زمینداران دشمنی می‌ورزند، خواهاستحق حقوق حقه خلقهای تحت ستم ایران هستند. ... اما زما مدارا جمهوری اسلامی که فعالیت آنرا آگاهگران نیروهای انقلابی را به زیان منافع طبقاتی خود که همان منافع سرمایه‌داران نوزمینداران است می‌بینند و از رشد آگاهانه توده‌ها هراس دارند، تلاش می‌نمایند تا جلوی فعالیت سیاسی نیروهای انقلابی را سد کرده و دستاوردهای قیام توده‌ها را پایمال و محو و نابود سازند ولی آنها نه می‌توانستند و نه می‌توانند بسایر حقوقی را که توده‌ها از زحمتکش و نیروهای انقلابی - مبارزه خویش بدست آورده اند پایمال کنند. این حقوق را کسی به آنها ناعطاء نکرده است بلکه توده‌ها به نیروی خویش و با مبارزه شان کسب کرده اند، اما هیئت حاکمه به شیوه‌های مختلف سیاستهای ضد دموکراتیک خسودرا داد ما میدهد.

حزب جمهوری اسلامی دسته‌های وابش و چماق‌داران تحریک نموده و با حمایت کمیته‌ها و پاداران به دفاتر سازمانهای انقلابی حمله کرده و آنها را یکی پس از دیگری تعطیل نموده است. امروز روزنامه‌ها و نشریات سازمانهای

انقلابی و مترقی متنوع و غیرقانونی اعلام شده و فروشندگان این نشریات به حبس‌های تا شش ماه محکوم میگرددند. زما مدارا جمهوری اسلامی اکنون در صدد است تا سازمانهای انقلابی غیرقانونی کند و حزب جمهوری اسلامی را هم اکنون در مجلس زمینه طرح و تصویب غیرقانونی نمودن سازمانهای انقلابی را تدارک می‌بیند. جناح "لیبرالها" نیز علیرغم اختلافاتشان با جناح حزب جمهوری اسلامی با آن همسو و یکدل هستند. آیت الله موسوی رجبی - موسوی دادستان کل کشور اخیرا طی مصاحبه‌ای که به گروه‌های سیاسی هشدار داد که اگر به فعالیت سیاسی خود همچنان ادامه دهند آنها را غیرقانونی اعلام خواهد کرد و "راه قانونی" را قاطعانه به پیش خواهند برد. بدون شک در مجلسی که اکثریت مطلق نمایندگان آن از جناح حزب جمهوری اسلامی و "لیبرالها" هستند و در حکومتی که قدرت دولتی بطور عمده در اختیار بورژوازی متوسط می‌باشد بجز این نیز نباید انتظار داشت. عملکرد هیئت حاکمه از نخستین روزهای قیام به روشنی اثبات نموده است که آنان نه با رعایت حقوق دمکراتیک توده‌ها و دمکراسی سرسازگاری دارند و نه حاضر به پذیرش فعالیت سیاسی گروهها و سازمانهای انقلابی و ضد امپریالیست هستند. اما خواست هیئت حاکمه در نابودی دستاوردهای قیام تنها یک وجه قضیه است، وجه دیگر و مهمتر قضیه این

است که این حقوق دمکراتیک را توده‌ها و نیروهای انقلابی با مبارزه و قیام قهرمانانه خویش کسب کرده اند و علیرغم خواست و تمایل هیئت حاکمه این حقوق را پاسداری می‌کنند. امروز دیگر توده‌ها در طول مبارزات خود و قیام بهمن ماه آگاهانه فراوانی کسب کرده اند و هیئت حاکمه قاندر نیست به سادگی آنها را بفریب و سرکوب نماید. حاکمیت کنونی با قیام توده‌ها بقدرت رسیده و مجبور است به برخی خواسته‌های توده‌ها گردن نهاند و نمیتواند آشکارا و بی‌پرده در جهت محو دستاوردهای قیام عمل کند. هم تضادهای درونی هیئت حاکمه و بحران حاکم بر جامعه و هم فشار توده‌ها از بیابان و بیابان کللی شرایط مبارزه طبقاتی چنین مکانی را از هیئت حاکمه سلب نموده است که بتوانند بدون مانع و رادع - خواسته‌های خویش را عملی سازند. هنگامیکه دادستان کل میگوید "البته ما چگون نمیخواهیم یک مسئله جدیدی را در مملکت ایجاد کنیم لذا فعلا" با مسائل آنطور که فکر میکنیم صلاح است بر خورده کنیم، حقیقتی را بیان داشته که نشان میدهد آنها فعلا چنین کاری را صلاح نمیدانند چرا که بخوبی میدانند توده‌های مردم و نیروهای انقلابی در برابر این اقدامات ضد دمکراتیک سکوت اختیار نخواهند کرد و افشاگری نیروهای انقلابی همراهِ با اعتراض توده‌ها هیئت حاکمه را با مشکل روبرو خواهد کرد

ساخت و بهمین دلیل است که میخواهند شکل پوشیده تر و ظن تروبا زمینه سازی قبل میا مردم چنین امر متحقق گردانند. آنها نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست را انقلاب معرفی می‌کنند دروغ آنرا به محافذ ارتجاعی کودتاگر متص می‌کنند و به دروغ می‌گویند و عوام فریبی متوس می‌شوند. روزنامه‌ها جمهوری اسلامی و فراکس پارلمان آن فعالیت این جهت تلاش می‌کنند "لیبرالها" نیز اشکالی متفاوت به حزب همین هدف را دنبال می‌کنند و بین جناح اصلی حاکم در این زمینه همسوئی کامل وجود دارد. در چنین شرایط وظیفه نیروهای انقلاب است که از هم اکنون متحدان در جهت افشای ما هیئت این سیاستها هیئت حاکمه بکوشند و آگاه گردن توده‌ها؛ توطئه‌ها یک علیه نیروهای انقلابی در شرف تکوین است مقابله کنند. همانگونه که فاش توده‌ها همراه با افشای گری نیروها و انقلابی به هیئت حاکمه اجازه نداد که این سیاست خود را بطور کامل پیش برد، وحدت عمل نیروهای انقلابی افشای هر چه گسترده است این توطئه و توضیح ما هیئت ضد انقلابی آنرا توده‌ها، مانعی جدی بر سر راه اجرای سیاست ایجاد خواهد نمود. ما از همه نیروها، انقلابی و مترقی می‌خواهیم که برای جنبش کردن این اقدام هیئت حاکمه، متحدان در جهت افشای هر چه گسترده است این سیاست تلاش نمایند متحدان بکوشیم با افشای توطئه غیبه قانونی نمودن سازمانها و گروههای انقلابی توسط هیئت حاکمه دستاوردهای قیام توده‌های مردم دفاع کنیم.

سرکوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند



در یکی از روستاهای قائم شهر زحمتکشی دیگر با گلوله مأموران کمیته در خون غلطید

شب عید فطر، چند تن زافرا دکمیته قائم شهر، و تن از اهالی روستای پیدابو صالح را بجرم چوب بری قاچاق دستگیر کردند. به بهانه اینکه چوبهارا به روستای "ارته" برده و فروخته اند آنها را با خود بانجا بردند، کمیته چی ها در "ارته" یکی از این روستایان بنام حسین علی مجیدی را شدیداً مضراب کردند بگونه ای که این

روستائی زحمتکش بحالت اغما افتاد، هنگام بازگشت ما موران کمیته، برادر روستائی مضراب، بنام رمضان مجیدی با آنها برخورد کرد. ما موران کمیته به محض دیدن رمضان مجیدی او را به با دفعش و ناسزا گرفتند و قصد داشتند او را دستگیر کرده و با خود ببرند اما او از رفتن امتناع کرد و بهمین خاطر هم کمیته چی ها او را به رگبار بستند ما موران کمیته بدن نیمه جان روستائی زحمتکش را سر راه انداختند و

متواری شدند. ایمن خدمتگزاران سرمایه - داران و زمینداران حتی از بردن رمضان مجیدی به بیما رستان دریغ کردند. اهالی روستا که با خشم و تنفر شاخه ها دانه بودند، بدن نیمه جان رمضان را به بیما رستان رسانند اما وی بر اثر شدت خونریزی شهید شد. این اولین بار نیست که زحمتکشان، توسط عوامل مأموران حکومت جمهوری اسلامی سرکوب می شوند، در طول ۱۸ ماهی که از قیام خلقهای ایران گذشته است، بارها

و بارها، در دهه و شهر و کارخانه، زحمتکشان که برای خواست های برحق و طبیعی خویش دست به مبارزه زده اند، توسط حکومت به شدت سرکوب شده اند، سرکوب کارگران و دهقانان در اصفهان، بندرانزلی، ترکمن - صحرا و کردستان و به خون غلطاندن رمضان مجیدی از روستای "سیدابو صالح" همه گواه برای این است که رژیم جمهوری اسلامی، علیرغم تمام ادعاهایش، در عمل از منافعی زمینداران و سرمایه - داران دفاع می کند.

تحولات اخیر سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و موضع ما

با اعلنی شدن مبارزهٔ ایدئولوژیک توسط جناح انقلابی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت)، جناح اپورتونیست سازمان به رهبری اکثریت کمیته مرکزی که تمام کوشش را برای جلوگیری از اعلنی شدن مبارزهٔ ایدئولوژیک بی نتیجه یافت، کوشید تا با ابهام آفرینی، تحریف مسائل و با استفاده از اهرمهای تشکیلاتی، توجه اعضا و داران سازمان را از مسائل طرح شده، منحرف کند و با عنوان اینکه ما خواهان مبارزهٔ ایدئولوژیک برای دستیابی به حداقل تئوری های مارکسیست - لنینیستی و تحکیم اصول برای وحدت هر چه بیشتر هستیم، اقلیت را متهم کند که گویا از زیر بار مبارزهٔ ایدئولوژیک شانه خالی میکند. با اعلنی شدن مبارزهٔ ایدئولوژیک و نقطه نظرات اقلیت و اکثریت دربارهٔ مضمون این مبارزه، بخوبی دیدگاه پراگماتیستی و متافیزیکی اکثریت بنمایش گذاشته شد. برخوردهای پراگماتیستی اکثریت نه در جریان اعلنی شدن مبارزهٔ ایدئولوژیک بل در تمام تحلیل ها بچشم میخورد. بررسی این واقعه تا واقعه بعد، ارائه تحلیل های متضاد دربارهٔ یک جریان مشخص، غیرطبقاتی بودن دیدگاه اکثریت و پراگماتیستی برخورد کردن آنها را با مسائل نشان میدهد. آنها در مقطع پلنوم کوشیدند ریشه بحران درونی سازمان را بشکل فرمالیستی عنوان وریشه کن کنند. دید متافیزیکی اکثریت کمیته مرکزی و ندیدن رابطه دیاکتیکی تئوری و پراتیک، باعث شد که آنها مبارزهٔ ایدئولوژیک را تحت عنوان تحکیم اصول و دروجه تجریدی مورد بررسی قرار دهند. نظرفقار اقلیت مبنی بر غیر علمی و عملی بودن طرح مبارزهٔ ایدئولوژیک اکثریت در پلنوم، بخاطر محدودیت های که اکثریت کمیته مرکزی برای جلوگیری از ورود فرقای اقلیت ایجا کرده بودند، مورد قبول واقع نشد و تنها بعد از پلنوم و هنگام عملی نمودن مصوبات پلنوم، اصولی بودن نظراقلیت خود را نشان داد.

اکثریت کمیته مرکزی که با درپیش گرفتن سیاست سازشکارانه، عملاراه خود را از مبارزات توده ها جدا کرده است، میکوشد که مسائل مورد مشاجره و علل نشعاب را صرفاً در برخورد با مشی مسلحانه مورد ارزیابی قرار دهد تا بدین طریق و در دنباله سیاست های سازشکارانه خود اعضا و هواداران سازمان را از پیرداختن به مسائل حاد و میرم جنبش (و در راس آنها تحلیل حاکمیت) بازدارد و اختلافات را فقط در برخورد با تاکتیک مسلحانه محدود کند.

اینگونه برخوردها نه بخاطر ضعف تئوریک بلکه بخاطر بینش اکثریت کمیته مرکزی است. بیشی که علیرغم تکیه بر مارکسیسم - لنینیسم، اثری از جوهر انقلابی مارکسیسم - لنینیسم در آن دیده نمیشود و عملاً سیاست های رویزیونیستی را دنبال میکند و آب به آسیاب بورژوازی می ریزد.

مبارزه با این جریان اپورتونیستی بمثابه خطر عمده جنبش کمونیستی باید در دستور کار کلیه نیروهای انقلابی قرار گیرد. اگر حزب توده بمثابه سردمدار انحراف بر است در ایران، بخاطر سوابق خبیانت بارش از طرف کارگران، زحمتکشان و روشنفکران انقلابی طرد شده است، انحراف کمیته مرکزی با توجه بسوابق پسر افتخار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و اعتماد توده ها باین سازمان، میتواند ضربات مهلکی بر جنبش انقلابی خلق وارد کند. امروز ما شاهد اپورتونیسم راستی هستیم که اکثریت کمیته مرکزی حامل آن است. نفوذ اپورتونیسم در کمیته مرکزی، وظیفه سنگینی را بر روی دوش اعضا و هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران میگذارد. هرگاه باین مساله توجه داشته باشیم که اپورتونیسم راست خطر عمده و پاشنه آشیل جنبش کمونیستی است، به وظیفه سنگین خود در جهت نابودی این انحراف بیشتر پی میبریم. حمایت از جناح انقلابی و مارکسیست - لنینیست سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) و افشای سیاست های سازشکارانه و اپورتونیستی اکثریت کمیته مرکزی، مبارزه ای است در جهت طرد انحراف بر است در جنبش کمونیستی ایران. ما گروهی از هواداران سازمان، ضمن پشتیبانی از سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و افشای سیاست های سازشکارانه اکثریت کمیته مرکزی، حضور خود را در این مبارزه اعلام میکنیم.

برافراشته باد پرچم مبارزه ایدئولوژیک علنی، وحدت یخش جنبش کمونیستی ایران

"بیرد جنوب" هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۵۹/۵/۷

با تکیه به نیروی توده ها برای صلح دمکراتیک در کردستان بکوشیم

اعدام فرزند انقلابی خلق کرد بدون جرم و اتهام!

خلق قهرمان کرد که پس از سالها ستم و محرومیت مبارزه با دلاوری و رشوری را برای گرفتن حقوق حقه ی خویش آغاز کرده است، با اراکه و ایمانی محکم و استوار به مبارزه با دشمنان خلقهای ایران ادامه میدهد و در این بینکا رستری، هر روز شهدای ترخاک تهران پرور و حماسه آمیزین کردستان فراموشی غلطند. حدود ۲۰ ماه پیش رفیق فدائی، فیروز صدیقی توسط ما عورا زندان رمی درجاده اشوبه دستگیر میشود. ما مسوران زندان رمی رفیق را به سپاه پاسداران منتقل می کند، در محل سپاه رفیق فدائی، برای معرفی دستان خود به شدت ریشخندی پاسداران فراموشی گردید. آنرا شکجه های که بعد از اعدام پروری حسد فیروز صدیقی مشاهده شد حکایت از استوع شکجه های آریا مهری داشته است، زیرا آنرا

سوخنگی و سوراخ کردن دست و پا روی بدنش بوده است. رفیق، پس از تحمل شکنجه های بسیار به سر رسیدن می شود و بعد از ۲۰ روز شکره و آزار، روز سهم مردا دا ور رفیق دیگری که همراه او دستگیر شده بود، دوشین دستگیر شده اتهام اعدام علیه جمهوری اسلامی (شرکت در درگیری های "سند") به خو خه ای عدا م سپرده می شوند. آنچه که در این رابطه، دروغ گویی و عوام فریبی دست اندر کاران جمهوری اسلامی را بیان می کند، این است که: رفیق فیروز صدیقی قبل از درگیری های "سند"، دستگیر شده بود در حالی که به اتهام پوچ و واهی شرکت در درگیری "سند" سینه این آماج گلوله های حامیان سرمایه داران و زمینداران و دشمنان خلقها قرار گرفت. گرامی با دنیا در فغانی که در جهت تحقق آرمانهای سرگ خلق کرد و همواره بوده های چریکها سس قهرمانا به شهید شدند.

کودک و لجنند
دردا منتهای کردستان
زیباترین شقایق انسانیت
که بر خاک گلگون مقاومت می خندد
بگذار تنگ های مقدس!

عبارت های مقدس و
کاردهای مقدس!
بر بیکر کودکان پرده خون کند
کردستان زنده است
ایران زنده است



از جنبش مقاومت خلق کرد دفاع کنیم

مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای تحت ستم میهنمان هر روز عمق و گسترش می یابد و مبارزات حق طلبانه و مقاومت قهرمانانه خلق زحمتکش کرد، بمتابجه جزئی از مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای سراسر ایران جا بگاه شایسته ای در پیکار نیروهای انقلابی کسب کرده است. دولت جمهوری اسلامی که پس از قیام شکوهمند خلقهای ایران بر سر کار آمد بدعت این که مدافع منافع کارگران و زحمتکشان و خلقهای ایران نیست و از همان ابتدا درصد بسیار زیادی از سرمایه داران و وابسته های آنها را بر حق خود ایستادگی مینماید و به تدریج در همان ابتدا د شمنی آشکار خود را با مبارزه عادلانه توده های زحمتکش و انقلابی خلق کرد نشان داد. دو هر روز بیشتر از روز قبل آنها را سرکوب نمود و ما مبارزه توده های زحمتکش خلق کرد بدعت وجود تضاد های حاد طبقاتی، سابقه درخشان مبارزاتی خلق کرد و شرکت نیروهای انقلابی و مترقی در این جنبش هر روز عمق و گسترش بیشتری می یابد. در این میان وظیفه نیروهای انقلابی بسی سنگین و حساس می باشد زیرا در شرایطی که توده ها در سراسر ایران به ترتیب در خواهند یافت که دولت جمهوری اسلامی قادر به پاسخگویی به نیازهای اساسی آنها نیست باید بیوند مستحکم بین جنبش مقاومت خلق کرد و جنبش سراسری کارگران و زحمتکشان ایران برقرار نمود توده ها در سراسر ایران به تدریج در خواهند یافت که جنبش مقاومت خلق کرد عادلانه و برحق است و این دولت جمهوری اسلامی است که جنگ را به زحمتکشان کردستان تحمیل نموده است. موضع گیری صحیح و اصولی نیروهای انقلابی در باره جنبش مقاومت خلق کرد تاثیرات بس مهمی در روند مبارزات ضد امپریالیستی توده های زحمتکش و طبقه کارگر میهنمان بر جای خواهد گذاشت. این امر تعهدات سنگینی بر دوش کلیه نیروهای انقلابی و مترقی از جمله سازمان ما قرار داده است بویژه آنکه با گرویدن جناح پورتنویست مرکزیت سازمان "اکثریت" به خط و مشی حزب خائن توده جنبه پورتنویستهای راست تلاش گسترده ای را برای تحریف مضمون اجتماعی و طبقاتی مبارزات عادلانه خلق کرد و تبلیغ رفرمیسم و سازش طبقاتی آغاز کرده است. موضع ما در رابطه با جنبش مقاومت خلق کرد طی مقالاتی در شماره های ۶۷ - ۶۸ - ۶۹ - ۷۰ - نشریه کار منتشر شده است. به نظر ما، "مبارزه و مقاومت خلق کرد مبارزه ای بحق و عادلانه است و یگانه سیاست صحیح و پرولتری در قبال مبارزات خلق کرد، دفاع از این مبارزات، شرکت فعالانه در آن، کشاندن توده ها به عرصه عمل انقلابی سازماندهی این مبارزات و تبلیغ و ترویج دموکراتیک پیرونیاری در بین توده های زحمتکش خلق کرد است". (کار شماره ۶۷)
طبق مواضع اعلام شده سازمان در جنبش مقاومت خلق کرد شرکت نمود و برای هماهنگ نمودن فعالیت نیروهای هوا دار اقدام به تاسیس دفتر سری در شهر بوکان نمود ما هم وظیفه خود می دانیم به افشاء (کمیته مرکزی) اپورتونویست دست زده و با روشن کردن نقطه نظرات انحرافی آنان برای هواداران و توده های میهنمان پرچم خونین سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را در سنگرزحمتکشان همچنان برافراشته نگه داریم.

گسترده با دیوند جنبش مقاومت خلق کرد با جنبش سراسری طبقه کارگر
نا بود با دامپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم آمریکا و یگانه خلیش

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر